

دردس رژیم در بلوچستان

خلق ستمکش و محروم بلوچ که در طول حیات خود فرصت نیا-
فته است سرنوشت خود را رقم زند و پیوسته تحت ستم مضاعف
قرار داشته است. اینک با ستمگرترین رژیم روبرو است که
با زور سرنیزه و رشوه درصدد است پایههای لرزان خود را -
مستحکم گرداند، اما جلادان هرچه بیشتر تلاش می‌ورزند کمتر
نتیجه می‌گیرند. تمام اعمال رژیم از آنجائیکه ماهیتسی
ارتجاعی دارند مورد تنفر و انزجار زحمتکشان قرار می‌گیرند.
با وجود اینکه زحمتکشان بلوچ نسبت به سایر هموطنان
زحمتکش از میزان آگاهی کمتری بدلیل نداشتن سابقه مبارزه
بقیه در صفحه ۴

باند جنایتکار

میرمولاداد - جما خان
رافشاکنیم

هواداران سازمان چریکهای
فدائی خلق در سیستان و بلوچستان
پیوسته زحمتکشان بلوچ را در مورد
اعمال ضدانقلابی و ماهیت ارتجاعی
خوانین بعنوان مستیاران دولتها
ضد انقلابی و وابسته به امپریالیسم
آگاه مینموده‌اند، افشاخوانین
دشمنان خلق بلوچ و کارگزاران
امپریالیسم از آنجهت اهمیت دارد
که این جیره‌خواران و سگان درگاه
امپریالیسم اینک در پی نارضایتی

بقیه در صفحه ۱۲

بررسی تحولات اجتماعی بلوچستان و

وظایف ما (۲) در صفحه ۲

خفته باد اول ماه مه روز همبستگی جهانی کارگران

روز یازدهم اردیبهشت ماه، مصادف با اول ماه مه روز هم-
بستگی بین المللی کارگران سراسر جهان است، در این روز تا-
ریخی کارگران سراسر جهان با برگزاری جشن و تظاهرات و تشدید
مبارزات خود علیه سرمایه‌داری همبستگی طبقاتی خود را نشان
می‌دهند.

در اول ماه مه ۱۸۸۶ (۹۸ سال پیش) فدراسیون سراسری
کارگران امریکا، بعد از تلاشهای قانونی زیاد برای تقلیل
ساعات کار روزانه که نتیجه‌ای نداد، مطرح کرد که خواست متحد
انه کاهش ساعات کار تنها از طریق سازمانی مستحکم و بسا
انضباط بدست خواهد آمد و اعلام کرد "از اول ماه مه ۱۸۸۶
هشت ساعت کار روزانه مدت قانونی کار خواهد بود." و از تمام
می تشکیلات کارگری اجرای قاطعانه این تصمیم را درخواست کرد
بدنبال این درخواست اعتصابات وسیعی با شعار هشت ساعت کار
در سراسر امریکا شکل گرفت این اعتصاب از طرف صدها هزار
بقیه در صفحه ۱۱

در این شماره

- * برنامه عمل جنبه سا-
ندنیستی برای رهایی
ملی
- * اخبار
- * درود بر هواداران
ستیزنده سازمان در خا-
رخ از کنور

جاودان باد خاطره شاعر انقلابی فدائی خلق سعید سلطانیپور

سوپین بیت بلوچ هلك، چیرپه وت واجهی و آزاتی

بررسی تحولات اجتماعی بلوچستان و وظایف ما

عوامل ذکر شده و وجود عواملی دیگر موجب گردید تا بهره‌دهی کار در سطحی پائین باشد و - قبایل همچنان فقیر باشند مقدار زمینهای قابل کشت کم و تعداد دامهای آنان ناچیز و زندگی در نهایت دشواری گذران شود.

هرچند عوامل یادشده تاثيرات کند کننده بسزائی روی پویائی جامعه داشتند اما قادر نشدند جلوی پیدایش مالکیت خصوصی و تکامل را بطور کلی سد کنند هر چند دودمان و خاندانهای بزرگ با اشکالات فراوانی شکل گرفتند اما روسای قبایل و دودمانها دارای امتیازات ویژه و حق تملک بر وسایل تولید و برده بودند، این روسا بمرور به صورت ملوک الطوائف درآمدند.

گرچه امروزه شبانی دیگر به نظمی مغلوب در آمده اما بقایای آن هنوز در شمال بلوچستان - منطقه سرحد، در جنوب بلوچستان قصرقند، اطراف نیکشهر و کوههای آهوران، اطراف ایرانشهر و - اغلب مناطق کوهستانی بلوچستان یافت میشود، این قبایل گرچه هم اکنون وارد مناسبات سرمایه‌داری گردیده‌اند اما در روبنا و حقوق و تفکر، خصوصیات عشایری را حفظ نموده‌اند. نیروی عمده‌ای که کالاهای قاچاق را حمل و نقل می‌کنند و بصورت مزدبگیر برای سرمایه‌داران (تجار) کار میکنند از عشایر میباشد. جوانان عشایر تفنگداران - قاجاقچیان (برای حمل قاجاق) هستند.

بلوچستان چندین مرحله تاریخی از دنیای عقب‌بوده است، در زمانیکه شبانی در همه جا کهنه شده و برده‌داری نیز از میان رفته و فئودالی در اوج اقتدار خود بوده است، در بلوچستان مرحله شبانی از رشد و توسعه کافی برخوردار نبوده است تغییرات کمی خیلی آرام و بطئی صورت گرفته‌اند و گذار به تغییرات کیفی آنچنان برجسته نبوده است که انقلاب اجتماعی را موجب گردد. پیدایش مناسبات فئودالی با سرعت خیلی کم و فقط در مناطقی مخصوص صورت گرفته است. مناسبات برده‌داری نتوانستند غالب شوند، مناسبات فئودالی نیز

تمام بلوچستان را در بر نگرفت، علت عدم رونق و رشد نیافتگی تولید شبانی در بلوچستان، عبارتست از ضعف نیروهای مولد، خرده مالکی قبایل (مقدار زمین و دام در تملک) و فقر مفرط میباشد.

سران طوائف در بلوچستان دارای برده نیز بوده‌اند، این برده‌گان عموماً از بندرهای بلوچستان (چاه‌بهار) کنارک خریداری شده و یا از نزدیکیهایی بندرعباس و مینا ب به غنیمت گرفته شده و خرید و فروش میشده‌اند، بردگان بلوچستان از نژاد سیاهان میباشد، محل سکونت این سیاهان در خط سواحل دریای عمان میباشد. و با ساکنین بلوچستان از نظر نژادی تفاوت دارند، قدمت رواج برده‌داری به سالیان دراز برنمیگردد، این از زمانی است که عبورو مرور به مناطق ساحلی آسان گشته است، قبایل - بلوچ خیلی بندرت به اسارت قبایلهای دیگر درمی‌آمدند و از همین رو هم نظم برده‌داری مسلط نگردید، با اینکه تعداد بردگان در بلوچستان فراوان هستند اما نمیتوان ادعا نمود که نظم برده‌داری بطور کامل در تمام بلوچستان حاکم شده است.

قبایلی از مجموعه قبایل در هر منطقه برده‌جسته شده و دارای قدرت مسلطی شدند این قبایل با توسل به بهره‌برداری از نیروی کار سایر قبایل و برده‌های خود اقدام به بنای قلعه‌هایی نمودند، این قلعه‌ها در مناطق مختلف وجود داشته‌اند در منطقه سراوان (شهر فعلی)، قلعه‌شستون کهنه قلعه، قلعه سرجو، قلعه دزک، قلعه دهوار، قلعه جالق، قلعه کله‌گان، قلعه اسفندک، قلعه کوهک، قلعه ناهوک، قلعه سیب، قلعه کنت، قلعه سوران، قلعه پسکوه، قلعه مگس، قلعه ایرانشهر، قلعه بمپور، قلعه دامن، قلعه ابتر، قلعه سرمیج، قلعه‌های سرباز، قلعه‌های قصرقند و نیکشهر، قلعه فنوج، قلعه جانف، قلعه فیروز آباد و ۰۰۰ این قلعه‌ها در یک زمان بوجود نیامده‌اند بلکه پس و

بقیه در صفحه ۱۵

حق ملل در تعیین سرنوشت خویش حق مسلم آنهاست

اخبار

منطقه

زاهدان ۳۳/۲/۲۷

ساعت ۵ بعد از ظهر تعداد سی نفر از ماورین کمیته زاهدان به طرف چاه احمد حرکت می‌کنند و در همان شب توسط بلوچها بقتل می‌رسند.

ماجرای این قرار است که چند روز پیش عده‌ای از قاچاق فروشان توسط سپاه دستگیر میشوند و مزدوران خمینی برای مبارزه با قاچاق فروشان به خانه‌های بلوچهای زحمتکش که با قاچاق فروشان نسبت داشته‌اند حمله می‌کنند و چون مردان در چادرها نبودند، از زنان می‌پرسند شوهران شما کجا هستند، زنان اظهار میدارند، مردان ما دام‌دار و گاو رگر هستند، رفته‌اند سرکارشان. مزدوران بجای خوش رفتاری با مردم که در ماهیتشان نیست، به زنان غیور می‌گویند: "عیبی ندارد ما شوهران شما هستیم؛ شوهران و مردها وقتی از این قضیه باخبر میشوند مسلحانه بیای می‌خیزند و سی پاسدار را یکجا بهلاکت می‌رسانند. رادیوی خمینی تعداد آنها را ۱۹ نفر اعلام کرد. چرا که در تاریخ ۳۳/۲/۲۸ جسد ۱۹ نفر بدست رژیم افتاد و ۱۱ نفر دیگر ناپیدا هستند که رژیم از وحشت چیزی اعلام نمی‌کند.

در همین تاریخ ماورین پاسدار - ژاندارمری و کمیته‌ایها به وسیله ۴۵ خودروی لندکروز و به پشتیبانی هوایی ۳ هلیکوپتر وارد عمل میشوند، اما از آنجا که پاسداران قدرت دستیابی به قاچاق فروشان را نمی‌یابند، عده‌ای بی‌گناه از زن و کودک و شبان و افرادی که توانائی فرار را نداشته‌اند را دستگیر می‌کنند و خانه‌های آنها را به آتش می‌کشند، گوسفند و اموال و وسایل نقلیه از قبیل موتور سیکلت را با خود می‌برند و کوههای اطراف را بمباران می‌کنند.

در تاریخ ۳۳/۲/۳۰ درگیری دیگری بین بلوچها و مزدوران خمینی در میگیرد که در این زدو خوردها یکی از هلی کوپترهای رژیم سرنگون میشود. در همین تاریخ ۲ نفر بی‌گناه در منطقه شوره که با ماشین توپوتا عازم زاهدان بودند توسط جلادان خمینی هدف

بقیه در صفحه ۷

خجسته باد... بقیه از صفحه ۱۱

برای تامین حاکمیت توده‌های مسلح (کارگران و زحمتکشان) تحت رهبری طبقه کارگر از طریق شوراها و کارگری، آزادی اجتماع، آزادی مطبوعات، آزادی فعالیت احزاب و سازمانهای سیاسی و صنفی، حق تشکل و اعتصاب و تامین آزادی و برابری زنان و دیگر حقوق دمکراتیک توده‌های مردم، اقدامات عملی قاطع در جهت برانداختن سلطه امپریالیسم، صادره و ملی کردن سرمایه‌های بزرگ متعلق به سرمایه‌داران داخلی و انحصارات امپریالیستی، ملی کردن بازرگانی خارجی، لغو کلیه قراردادهای اسارتبار امپریالیستی، تامین کنترل شوراها و کارگری در کلیه موسسات تولیدی، تامین خواستهای فوری کارگران از قبیل خواست چهل ساعت کار و دو روز تعطیل در هفته، یک ماه مرخصی سالانه با کلیه حقوق و مزایا، صادره املاک زمینداران بزرگ و به اختیار قراردادنشان به دهقانان متشکل شده در شوراها و اتحادیه‌های دهقانی، لغو بدیهیهای دهقانان به سرمایه‌داران - زمینداران و بانکها، به سرانجام پیروزمندانهای برسانند. برای ایمن امر لازمست طبقه کارگر ایران با تشکل در کمیته‌های مخفی اعتصاب زمینها، یک قیام عمومی سیاسی را تدارک ببیند، تا بتواند مهر قطعی خود را بر انقلاب دوباره توسط نیروهای غیرپرولتری رنگارنگ از قبیل سلولنت‌طلبان و "شورای ملی مقاومت" به انحراف کشیده شود.

برنامه ...

بقیه از صفحه ۲۰

(۸) - فسخ معاهده Chamorro-Bryan که بین دولت ایالات متحده آمریکا و "امیلیوشامورو" امضای شده است که توسط کابینه‌های مختلف مانند Siego Manuel, Jose Maria Moniada, Juan Bautista Saca, Anastasia Somoza Garsia, Luis Somoza, Rene Schick, Anastasio

و... تأیید شده است. این معاهده ننگین بسامپریالیسم بانکی امکان میدهد که در نیکاراگوئه و سایر کشورهای آمریکا مرکزی اقدام به ایجاد کانال "بین اقیانوسی" و پایگاههای متعددی نظامی بکند.

۱۲- ارتش میهنی خلقی

بقیه در صفحه ۴

که پاسداران یزدی و اصفهانی از دیوار خانه‌های شما بالا بروند." اما زحمتکشان بلوچ میدانستند وی نیز دروغ می‌گوید، نه تنها بوی رای ندادند بلکه به انتخابات کلابدین بودند، دامنه این درگیریها هنوز گسترده است. در اردیبهشت ماه خیر از به هلاکت رسیدن بیش از ۵۰ پاسدار توسط يك طایفه می‌رسد، متاسفانه توده‌های این طایفه بعلت حاکم بودن ذهنیت عثمانی‌پیری نسبت به شخص مرتجع و بزرگ طایفه متوهمند و از وی حمایت بعمل می‌آورند، خیر از درگیریهای مسلحانه در - قسمت جنوبی بلوچستان میرسد.

رژیم ضدانقلابی جمهوری اسلامی با درس - شدیدی در بلوچستان گرفتار است زحمتکشان از وی بیزارند و روز به روز به وسعت این تنفر افزوده میشود رژیم بیشتر متوسل به قدرت نظامی میشود اما قدرت نظامی رژیم در مقابل اراده خلق یارا - ی مقاومت نخواهد داشت. نیروهای مترقی از جمله هواداران سچفا باید بکوشند تا با رهبری مباح - رزات سایر خلقها تحت رهبری طبقه کارگر، آنها را بسمت جمهوری دمکراتیک خلق رهنمون شوند.

برنامه ... بقیه از صفحه ۲

انقلاب خلقی ساندنیستی، ارتش ضد خلقی (به اصطلاح گارد ملی) را ملغی ساخته و به جای آن ارتش خلقی، انقلابی و میهنی ایجاد خواهد کرد.

(a) - الغای گارد ملی (ارگان ضد خلقی) که در سال ۱۹۲۷ توسط یانکی‌های اشغالگر برای تعقیب و از بین بردن وطن پرستان ساندنیست که برای "دفع" از حاکمیت ملی مسلحانه بپا خواسته بودند، بوجود آمده. جایگزینی این ارگان ضد خلقی بوسیله ارتش خلقی، انقلابی و میهنی، که این ارتش نوین سربازان قدیمی را با ضوابط زیرین بخدمت خواهد گرفت:

- حمایت کنندگان از مبارزه چریکهای خلقی.

- آنتهایی که دستشان بخون انقلابیون آلوده نباشد و هیچ نقشی در سرکوب خلق نداشته باشند.

(b) - تسلیح کلیه کارگران، دهقانان، دانشجویان و سایر اقشار و متشکل کردن آنان در ارتش خلقی برای دفاع از دستاوردها در مقابل حملات ناگزیر

بقیه در صفحه ۳۳

طبقاتی برجستهای برخوردار دارند، رژیم جمهوری اسلامی را از همان اوآن بقدرت رسیدنش نپذیرفته و با نجاه گوناگون بر علیه آن مبارزه نموده اند. دانش آموزان و کارمندان با برپا داشتن اعتصاب و تحصن، زحمتکشان با تجمع و گردهم آئی و حتی دست یازیدن به اقدامات مسلحانه، تنفر و انزجار خود را از رژیم ابراز داشته اند، تاکنون چندین عملیات مسلحانه و کمین گذاری بر علیه مزدوران مسلح رژیم انجام گرفته است که در این اواخر شدت بیشتری داشته اند. (رجوع شود به اخبار بامی استار از شماره ۲۵ ببعد).

رژیم ارتجاعی برای مقابله با خلق و تحت سیطره در آوردن آنها به انواع و اقسام نیرنگها متوسل شده است عمده ترین حیلها ی رژیم همان روشهایی است که رژیم منفور پهلوی بکار میبرد. انداختن شکاف در میان زحمتکشان و پرورش جاسوس و سرکوب شدید، رژیم سعی نموده است با حمایت از خوانین کمتر رسوا و ملاهای مرتجع و پرورش مزدور خلق بلوچ را کنترل کند، اما تنفر زحمتکشان از رژیم آنچنان وسیع است که هر احدی با رژیم همکار ی کند فوراً رسوا گشته و مورد نفرت شدید قرار میگیرد رژیم با تمام امکانات مادی و تبلیغاتی که بکار میگیرد هنوز نتوانسته است حتی جاسوسان زبده اثنی پرورش دهد. تکیه گاه اساسی رژیم در منطقه نا آگاهترین عناصر و عمدتاً چاقوکشها و لمپنها و گردنه بگیران و جیب برها هستند رژیم با ماهیت سرمایه داری و اعمال ضد انقلابی و ضد زحمتکشان توسط لمپنها و گردنه بگیران چگونه توده ها را جلب خواهد کرد؟ شاید از کرامات این جمهوری باشد! که این غیر ممکن است.

رژیم تحت هیچ عنوانی نتوانسته است پایه های لرزان را مستحکم گرداند. انتخابات فرمایشی فروردین ماه ۳۳ رژیم با عدم استقبال کامل روبرو گردید و موجب برخوردهای خونین گردید، در زاهدان چندین نفر در این درگیریها جان باختند، در چاه بهار با اینکه موسوی از انجمن حجتیه با مخالفت با پاسداران بمیدان آمده بود و انگشت جانی گذاشته بود که خلق بدش می آید وی گفت: "تا کی باید شما بلوچها تحمل کنید

سرنگون باد رژیم جمهوری اسلامی، برقرار باد جمهوری دمکراتیک خلق

برنامه عمل جبهه ساندنیستی

برای رهائی ملی

با توجه به شرایط مبارزه در بلوچستان بامی استار در نظر دارد بمنظور روشن نمودن مسئله ارضی و اتحاد عمل نیروهای انقلابی حول برنامه‌های مشخص مبارزاتی، پاره‌ای از تجارب جهانی جنبشهای رهاثیبخش را در حد توان انتشار دهد.

انتشار بیرونی این قبیل مقالات الزاماً مورد تأیید بامی استار نمی‌باشد.

مقدمه

جبهه ساندنیستی برای رهائی ملی (F.S.I.N) در اثر احتیاج مبرم خلق نیکاراگوئه در امر پیشبرد مبارزه آن سازمان پیش‌آهنگی است که قادر است مبارزه جبهه‌ای را با دشمن خویش پیش برده و قدرت سیاسی را بکف آورده، سیستم اجتماعی را بنا نهد تا استثمار و فقری را که خلق ما مداماً از آن رنج می‌برد، ریشه کن سازد.

سازمان سیاسی - نظامی است که هدفش کسب قدرت سیاسی از طریق درهم شکستن دستگاه بو-روکراتیک - نظامی سوموزا و برقراری حکومتی انقلابی که بر پایه اتحاد کارگران - دهقانان و کلیه نیروهای ضد امپریالیستی می‌باشد.

خلق نیکاراگوئه از تبعیت یک‌باند ارتجاعی و فاشیستی که امپریالیسم یانکی از سال ۱۹۳۲ تحمیل کرده رنج می‌برد، سالی که آن‌ها ستا زیر سوموزا گارسیا به ریاست (گارد ملی یا G.M.N) منصوب شده، داروستانه سوموزا از نیکاراگوئه مستعمره‌ای نو (نئوکولنی) ساخته تا انحصارهای خارجی (یانکی) و الیگارش داخلی بهتر بتواند آن را تحت استثمار قرار دهند.

رژیم کنونی رژیم است از نظر سیاسی ضد خلقی و از نظر قضائی غیر قانونی. به رسمیت شناختن آن از طرف امریکای شمالی و کمکی که آنها به او میکنند، دلیل انکارناپذیری بر مداخله بیگانان در امور نیکاراگوئه می‌باشد. (F.S.I.N) مسئولان و با درکی واقع بینانه

واقعیت ملی را ارزیابی کرده و مصمم است بطریق مسلحانه به مبارزه با دیکتاتوری برخیزد. زیرا ما بدین نتیجه رسیده‌ایم که پیروزی انقلاب خلقی ساندنیستی و سرنگونی رژیم ضد خلقی در گرو گسترش یک جنگ خلقی سخت و دراز مدت خواهد بود.

امپریالیسم به هر تاکتیکی که متوسل شود، رژیم دست‌نشانده‌اش، در برابر رعد روز افزون نیروهای ضد خلقی به رهبری (F.S.I.N) محکوم به شکست قطعی می‌باشد.

در این شرایط تاریخی (F.S.I.N) برنامه سیاسی فوق را در راستای توسعه و تحکیم امر مبارزه ارائه داده تا خلق نیکاراگوئه بطور مصمم برای سرنگونی دیکتاتوری بپاخواسته، در برابر دخالت امپریالیسم مقاومت کرده تا بتواند وطنی آزاد، مترقی و سربلند و انقلابی را پایه‌ریزی نماید.

۱- حکومت انقلابی

انقلاب خلقی ساندنیستی حکومت انقلابی خلقی را پی‌ریزی خواهد کرد تا وطنی بدون استثمار، بدون ظلم و عقب‌ماندگی بسازد. وطنی آزاد، مستقل و مترقی. حکومت انقلابی رهوس کلی زیر را در نظر خواهد گرفت:

- (a) - سرنگونی دولت ارتجاعی که حاصل بند و بستهای انتخاباتی و قبضه نظامی می‌باشد و استقرار حکومتی که امکان شرکت کامل تمامی خلق را در سطح ملی و منطقه‌ای (دپارتمان - شهرداری - ناحیه) میسر سازد.
- (b) - کلیه اشخاصی را که پستهای دولتی را بدنبال این انتخابات و قبضه نظامی پس از انتشار سند حاضر اشغال کرده‌اند از تمامی حقوق سیاسی محروم خواهد کرد.
- (c) - تضمین کلیه حقوق انسانی و فردی.
- (d) - تضمین آزادی عقیده و بیان که موجب رشد و تبلور حقوق خلقی و وظایف میهنی خواهد شد.
- (e) - تامین آزادی هرگونه تشکل و انجمن برای جنبش کارگری - سندیکایی در شهر و روستا (آزادی تشکیل گروههای دهقانی، لانجوتی، جوانان، سازمانهای زنان، فرهنگ و ...).
- (f) - تضمین حقوق نیکاراگوئه‌های مهاجر یا تبعید شده در بازگشت به کشور.

بقیه در صفحه ۱۴

هرچه گسترده‌تر باد اتحاد عمل نیروهای مترقی و انقلابی

درود ...

بقیه از صفحه ۱۸

هلند - لاهه

صبح روز پنجشنبه ۲۶ آوریل (۵ اردیبهشت) طبق يك برنامه سازمان یافته راس ساعت ۱۰/۱۵ دقیقه سفارت رژیم را فتح نمودند، که در این عملیات عناصر فالانژ سفارت مقاومت نموده و هواداران ضمن خنثی نمودن مقاومت تمامی کارمندان را به گوشه‌ای هدایت نمودند. سفیر خائن در درگیریهای بوجود آمده راهی بیمارستان گردید. از فتح جاسوخانه رژیم مدارک فراوانی بدست آمده است، رفقای هوادار با نوشتن شعار و چسباندن آرم سازمان و مصاحبه با خبرنگاریها به عملیات انقلابی خود ادامه دادند.

پلیس هلند با کسب اجازه از دولت ایران رفقای هوادار را دستگیر میکند، رفقا با فریادهای غرا و کوبنده، مرکب خمینی، درود بر فدائی آزادی زندانی سیاسی توجه هلندیها را جلب می نمودند.

انگلستان - لندن

در روز پنجشنبه ۲۶ آوریل (۵ اردیبهشت) هواداران سازمان در لندن کنسولگری رژیم را اشغال انقلابی نمودند. در این عملیات عکسهای رهبر چماق بدستان خمینی به زیر کشیده شد و آرم سازمان چریکهای فدائی خلق ایران نصب گردید و شعارهای گوناگون انقلابی به زبانهای انگلیسی و فارسی نیز نصب گردید.

فرانسه - اشغال دفتر نمایندگی رژیم در یونسکو - پاریس

چند تیم از هواداران سازمان چریکهای فدائی خلق ایران در پاریس دفتر ایران در یونسکو واقع در پاریس را با اینکه شدیداً کنترل میشد به اشغال خود درآوردند. هواداران با نصب آرم سازمان بر درب و دیوار اتاقها و در حالیکه فریادهای غرا فضای یونسکو را به لرزه درآورده بودند با انجام مصاحبه‌هایی با خبرنگاران محوطه را ترک کردند.

آلمان فدرال - فرانکفورت

همزمان با انجام آکسیونهای تعرضی سراسری

هواداران سچفا در خارج از کشور، هواداران سازمان در فرانکفورت نیز دفتر هواپیمائی رژیم را در آن شهر به تصرف خود درآوردند، و اوراق تبلیغاتی و شمارهای بزرگی نیز بر دیوارها نصب گردید.

سوئد

هواداران سازمان در شهر استکهلم در میدان آزادی به منظور اعتراض به کشتار و شکنجه زندانیان سیاسی دست به اعتصاب غذا زدند.

اطریش

هواداران رزمنده در شهر وین در برابر سازمان ملل بمنظور اعتراض به رفتار وحشیانه کشتار و شکنجه زندانیان سیاسی توسط رژیم جمهوری اسلامی و سکوت سازمان ملل در این مورد بمدت چهار ساعت خود را به زنجیر بستند.

کانادا

همزمان با برگزاری آکسیون سراسری بمنظور دفاع از زندانیان سیاسی و محکوم کردن جنک ارتجاعی هواداران سازمان در کانادا اقدام به برگزاری آکسیون در پرتو آمدترین محل شهر مونترال، میدان فیلیپ نمودند که مورد توجه عابرین قرار گرفت.

هند

دهلی نو، هواداران در این شهر برنامه تظاهرات بهمراه نمایش خیابانی انجام دادند، تظاهرات از یکی از خیابانهای شلوغ شروع به طرف سفارت رژیم جمهوری اسلامی ادامه یافت، و مجسمه خمینی سفاک در جلوی سفارت به آتش کشیده شد.

امریکا

در چندین شهر امریکا از آنجمله لس آنجلس امریکا، مشیگاگو برنامه‌های افشاگرانه‌ای علیه جمهوری اسلامی انجام گرفت تا بدینوسیله ماهیت کریه جمهوری اسلامی را در سطح بین المللی بیش از پیش بشناسانند.

اخبار ۰۰۰

بقیه از صفحه ۳

اقتصادی دستگیر میشوند و تاکنون از سرنوشت آنها خبری در دست نیست. ماجرا از این قرار بوده است که زن و شوهر دفترچه خود را به شرکت تعاونی مسجد امام زمان تحویل میدهند، مدیر عامل با بدرفتاری و ناسزا اظهار میدارد که این دفترچه متعلق به اینجاست. زن و مرد زحمتکش که از اینهمه ظلم و ستم و گرانی و کمبود به تنگ آمده اند اظهار میدارند: «ما کی از شر اینها خلاص میشویم» و بسا پاره نمودن دفترچه بسوی منزلشان میروند. شب هنگام پاسداران مست به خانه زن و شوهر می‌ریزند چشم و دست آنها را می‌بندند و با مشت و لگد آنها را سوار ماشین نموده با خود می‌برند.

روستای اسپنج (از حومه‌های سراوان)

اواخر فروردین ماه: یکی از جاسوسان محلی با یکی از زحمتکشان اختلاف شخصی پیدا می‌کند، جاسوس خائن به سپاه شکایت می‌برد که فلان شخص خانهای دارد و خانه‌اش خارج از محفوده است. بسا اینکه خانه فرد زحمتکش وسط چندین خانه دیگر قرار داشته و در روستاها خارج از محدوده هیچ معنی ندارد مگر در قوانین پاسداران خانه فرد زحمتکش را که با خون و دل مدت چهار سال است ساخته است، قفل بزرگی بر دروازه‌اش می‌زنند و بسا اصلاح خودشان ممانده می‌کنند.

خرداد ماه:

کمیته‌چی‌ها و پاسداران جاده‌های جالق - کوهک و بهم‌پشت را به کنترل خود در می‌آورند به ماشینها - ثی که مشکوک به داشتن جنس میشده اند، مبلغ ۴۰۰۰۰۰ تومان حق الحساب دریافت میکنند. این مطلب بو - سیله یکی از خود کمیته‌چی‌ها فاش شده است.

خرداد ماه: سراوان

حق امتیاز تلفن از ۴۰۰۰ تومان به ۲۱۰۰ تومان افزایش داده است جمهوری اسلامی درصدد است که بهر نحوه ممکن دمار از روزگار توده‌ها بکشد.

بقیه در صفحه ۸

گلوله قرار می‌گیرند. در همین روز حمله دیگری توسط پاسداران به کوههای اطراف چاه احمد می‌کنند که در این درگیریها تعداد ۳۰ نفر از مزدوران به قتل می‌رسند. منطقه هنوز ناآرام است و درگیریها ادامه دارد. ناگفته نماند که زحمتکشان منطقه بعلت عدم وجود کار به حمل و نقل کالاهای قاچاق متعلق به قاچاق فروشان عمده است که درگیریها در اول بین قاچاق فروشان عمده و رژیم بوده است، اما رژیم ارتجاعی توده‌ها را مورد حمله قرار میدهد و از آنجائیکه فرهنگ عشیرتی - قبیلله‌ای غالب است زحمتکشان متحدا بر علیه رژیم برخاسته اند و بهمین دلیل فرهنگ عشیرتی - قبیلله‌ای نسبت به قاچاق فروشان عمده توهم دارند که باید با کار مداوم و پیگیر پیش آهنگ از بین برود.

زابل - ۱۳/۳/۸

عده‌ای از کشاورزان حدود ۳۰۰ تا ۴۰۰ نفر جلوی فرمانداری زابل اجتماع می‌کنند، بعلت اجتماع آنها ندادن اجازه خارج کردن میوه‌ها و محصولات دهقانان بخارج از زابل توسط مامورین ارتجاعی حکومت بوده است.

دهقانان ضمن حمله به جمهوری اسلامی خواستار برکناری فرماندار زابل و استاندار بلوچستان میشوند تجمع و اعتصاب دهقانان روز ۱۳/۳/۹ نیز ادامه می‌یابد، دهقانان اظهار میدارند تا زمانی که این نردان و خائنین برما حکومت میکنند وضع بهتر از این نخواهد شده، آنها نیز اینچنین اظهار میداشتند تا استاندار بلوچستان را بخاک و خون نکشند از اینجا می‌روند.

در ۱۳/۳/۹ مامورین مزدور و جلاد کمیته‌ای و پاسداران به دهقانان حمله برده اقدام به تیراندازی می‌نمایند که یک نفر از دهقانان زخمی میشود. مقاومت دهقانان ادامه می‌یابد تا استاندار و مقامات تسلیم شده و اجازه میدهند که محصولات دهقانان به سایر نقاط استان جهت فروش حمل شود.

زاهدان - ۱۳/۳/۲۸

یک زن و شوهر بعلت پاره کردن دفترچه بسیج

زندانی سیاسی به قدرت توده‌ها آزاد باید گردد

اخبار...

بقیه از صفحه ۷

سراواناواخر خرداد ماه :

صف مرغ بطرف خارج از شهر سراوان حدود صدها نفر و به داخل شهر نیز صدها نفر مرد و زن میر- سید تعداد تمام مرغهایی که باید تقسیم میشده به مراتب کمتر از تعداد نفراتی بود که صف بسته بودند .

سراوان

رژیم جمهوری اسلامی بعد از اینهمه سرکوب و کشتار و گرانی و شکنجه هنوز راضی نیست که هم اکنون طرحی در دست دارد که بعد از اتمام ماه رمضان- زها حملهای مغول وار مرکب از نیروهای سرکوب گر سپاه ، ژاندارمری ، کمیته به منطقه بم پشت که منطقه ای کوهستانی و عشایرنشین است زحمتکشانی را که مسلح هستند خلع سلاح کند . هم اکنون جاسوسان رژیم مشغول جمع آوری اطلاعات میباشدند .

سراوان

رژیم ضدانقلابی جمهوری اسلامی بجای تهیه مسکن برای زحمتکشان اقدام به صادره و فشار آوردن روی افرادی نموده است که خانهشان با اصطلاح خارج از محدوده قرار دارد . طبق این سیاست زحمتکشی که مدت ۵ سال است برای خود خانه ای خریده مامورین وزارت- مسکن بخانه اش می ریزند تا وی را از خانه بیرون کنند که با مقاومت همسایه ها و مردم محله روبرو میشوند ، بعد از چندی مامورین دادگاه ارتجاعی سراوان فرد زحمتکش را به دادگاه فرا می خوانند و بوی اعلام می کنند که درست است مصالح ساختمان متعلق باوست اما زمین به دولت تعلق دارد و باید مصالح خودش را از زمین ببرد .

سراوان

افراد مخفی کمیته و سپاه از لمپن ها تشکیل شده اند ، اینک به شنیع ترین اعمال ضد انسانی مشغولند ، آنها بزور اسلحه جمهوری اسلامی در روستاها- به ناموس مردم تجاوز می کنند و در سطح وسیعی به فروش مواد مخدر مشغولند .

رژیم ددمنش جمهوری اسلامی هزار چند گاهی با حمله به منازل مردم و اماکن عمومی جهت گرفتن سرباز برای جبهه های جنگ ، قرار را از مردم ربوده است .

سراوان

رژیم ددمنش جمهوری اسلامی در پی ورشکستگی اقتصادی ۹۰ تن از کارگران اداره راه را از کار اخراج نمود .

سراوان

روز ۲۱ رمضان مصادف با سالروز وفات " عل پاسداران و کمیته ها و بسیجی ها با استفاده از ماشین بلندگودار و با استفاده از بلندگوهای مساجد مردم سراوان و حومه را دعوت نمودند که به مسجد نور واقع در شهر سراوان بیایند و این روز را با صرف شام گرمی بدارند ، اعلان های جمهوری اسلامی با تمسخر توده ها روبرو میشود ، این تمسخر کردن به صورت امری عادی درآمد است ، در این روز هم همین طهر ، از حومه ها و روستاها اطراف کسی به میعاد گاه نرفت و عده ای از مردم شهر سراوان که هر روز برای نماز شام به مسجد میروند ، وقتی دیدند پاسداران با کفشها وارد مسجدشان شده اند به پاسداران هیچ اعتنائی نکرده نمازشان را ادا کردند و مسجد را ترک نمودند . دیگرهای پراز خوراک پاسداران به ون مشتری ماند آنها مجبور شدند غذاها ی خود را پس ببرند .

آسیب

اواخر خردادماه - روز جمعه یکی از کمیته-

اینها در مسجد این روستا سخنرانی می کند ، وی در سخنانش وحشت جمهوری اسلامی را از خیزش توده ها بیان میدارد ، وی میگوید : " مردم برادران کمیته ای و پاسدار شما در خدمت شما مردم مسلمان هستند و هر روز بخاطر شما مردم شهید میشوند ! چند وقت پیش در زاهدان چندتن از برادران را شهید کرده اند و از قرار اطلاع ۲ تن از برادران را در خاش به شهادت رسانده اند ، و ۰۰۰ وی در آخر سخنانش از مردم میخواهد و میگوید : مردم جنگ مسلحانه نکنید .

بقیه در صفحه ۹

اخبار...

بقیه از صفحه ۸

روستای زیارت (از حومه های سراوان)

اواخر خرداد ماه : پاسداران ضد خلقی به يك تویوتا با رگبارهای ممتد و پی در پی حمله می کنند که راننده موفق به فرار میشود. پاسداران ضد خلقی جنون وار داخل کوچه شلیک می کنند که موجب وحشت اهالی زحمتکش می گردد. گنجی مزدوران بحدی بسوده است که همدیگر را هدف گلوله قرار میدهند و پسی یکی از پاسداران هدف گلوله قرار گرفته میشوند.

زاهدان - اردیبهشت ماه :

۱۵ نفر بجرم قاچاق مواد مخدر اعدام میشود. بد قبل از اعدام خون این افراد کشیده شده است.

آهوران - خرداد ماه :

کریم خان نظر زهی جاسوس خودفروش منطقه همراه با پاسداران ضد خلقی جمهوری اسلامی شبانه به منزل پیری فرزند هوت واقع در بی چند حمله ور میشوند و خانه را به محاصره درمی آورند. بعضی روشن شدن هوا بطرف ساکنین خانه ها تیراندازی میکنند که در نتیجه خود پیری کشته میشود و دو نفر دیگر دستگیر میشوند. پاسداران بعد از انجام عملیات محل را فوراً ترك میگویند در بین راه چند نفر از افراد مسلح بلوچ که خبر درگیری به آنها میرسد به کمیون پاسداران می نشینند تیراندازی شروع میشود از پاسداران یک نفر زخمی میگردد که وی را به بیمارستان ایران شهر انتقال میدهند.

ایران

خرم آباد - ۶۲/۱۲/۲۸ - بعد از حمله موشکی عراق به خرم آباد در دو مورد بین حزب الهی هایی که شعار جنک جنک تا پیروزی را سر می دادند با مردم درگیری شده است و در این رابطه عوام مسلح حزب الهی کتک مفصلی نوش جان کرده اند.

در مراسم یادبود شهدای این حمله مردم از تکرار شعارهای حکومتی خودداری می کردند و به محض شروع سخنرانی وزیر ارشاد اسلامی مراسم را ترك کردند. بعد از این حملات شعار نویسی رشد چشمگیری داشته است. در اکثر کوچه های خیابان علوی (یکی از خیابانهای بزرگ خرم آباد) شعاریهایی از قبیل مرگ بر خمینی جلاد مرگ بر رژیم ارتجاعی جمهوری اسلامی نوشته شده است. در همین رابطه اعلامیه هایی در شهر توزیع شده و مردم را به اعتراض علیه سیاستهای ضد مردمی رژیم فراخوانده است.

رشت - ۶۲/۱۲/۲۸ - در حین اعزام عده ای بچه به جبهه ها از رشت، مادران و خانواده های بچه ها در يك سازماندهی منظم و مشخص در خیابانها تجمع و راهپیمائی می کنند و بر علیه سیاستهای جنک - افروزان رژیم شعار میدهند. مزدوران رژیم درصدد مقابله برمی آیند. مادران مقاومت می کنند و مزدوران به طرف آنان تیراندازی می کنند. در این رابطه عده ای زخمی و عده ای نیز دستگیر میشوند.

اصفهان - ۶۲/۱۲/۲۸ - در نیروگاه اتمی اصفهان انجمن اسلامی دیوار بزرگی را برای نوشتن شعار سفید کاری می کند ولی شعار " جنک جنک تا پیروزی - ظلم و ستم امروزی باشد پایدارتر از دیروزی " با خط درشت بدون امضا بر روی آن نوشته میشود. در استادیوم جدید التاسیس رامسر نیز عین این واقعه اتفاق افتاد و شعار مرگ بر خمینی خون آشام نوشته شد.

قزل قلعه - ۶۲/۱۲/۱۷ - کلیه کارگران ساده بنیاد مسکن واقع در قزل قلعه به علت ندادن عیدی و پاداش دست از کار کشیدند. و کارگاه بدین علت تعطیل شد. تمام کارگران جلوی دفتر رفتند و خواستار عیدی شدند. سرپرست قسمت به وحشت می افتد و به دفتر رفته و با دیگران هم مشورت می کند و بعد از نیم ساعت به کارگران می گوید: " عیدی به شما تعلق نمی گیرد چون شما کارگران فصلی هستید. کارگران نمی پذیرند. سرپرست از کارگران می خواهد در این مورد از وزارت بقیه در صفحه ۱۰

کمیته های مخفی مقاومت را باید در هر شهر و روستا ایجاد کنیم

اخبار -

بقیه از صفحه ۹

ت کار نوشته بیاورید کارگران این کار را به عهده سرپرست می‌گذارند (در این روز کارگران دیگر کار نمی‌کنند) فردا ساعت ۱۰ صبح کارگران مقابل دفتر تجمع میکنند، ۱ نفر از وزارت کار برای آنها سخنرانی میکنند و می‌گویند: " شما کارگر فصلی هستید و عیدی به شما تعلق نمی‌گیرد و اگر از این تاریخ به سرکار برنگردید شما را اخراج می‌کنیم." کارگران بعد از این صحبت به سرکار برگشتند.

تهران - در یکی از روزهای ماقبل ۳۳/۱/۲۵ فخرالدین حجازی به کارخانه ۰۰۰۰ رفته بود و بعد از بازدید از قسمتهای مختلف در فاصله ۲ شیفت سخنرانی کرده بود. صحبت او درباره انتخابات بود. او موضع ضد سرمایه‌داری داشت و می‌گفت: " باید محذوران را دستگیر و زندانی نمود. باید بازرگانی خارجی را ملی کرد. زمینهای کشاورزی را باید تقسیم کرد. باید با کمبود وسایل زندگی عادت نمود. مثلا اگر ماشین نیست می‌توان با دو چرخه رفت و آمد کرد. کارگر ۴۰ ساله‌ای که دیده بود فخرالدین حجازی سوار بنز آمده است، می‌گفت " خود او سوار بنز می‌شود و ما باید دوچرخه سوار شویم." اکثر کارگران حرف او را تأیید می‌کردند کارگر ۴۰ ساله دیگری می‌گفت: " در این ۴ سال در مجلس چرا از این حرفها (ضد سرمایه‌داری) نمی‌زد ولی حالا که دوباره کاندید شده برای بدست آوردن رای اینطور صحبت می‌کند." از حدود ۱۰۰۰ کارگری که هنگام سخنرانی در کارخانه بودند حدود ۲۰۰ نفر برای شنیدن سخنرانی رفتند و بقیه در کارخانه قدم می‌زدند.

تهران - روز ۳۳/۱/۲۲ وقت صبحانه سرکارگر از یکی از کارگران که عضو بسیج محل است در مورد میزان رای دهندگان پرسید، بسیجی نیز در جواب گفت: " آره اینبار خیلی کم آمده بودند." می‌دیدید تک تک می‌آمدند. در کل ممکن است در محل ما ۳۰۰۰ نفر رای داده باشند." کارگر بسیجی در جواب سرکارگر که چرا مردم کمتر رای دادند گفت: " چون نمایندگان قبلی در مجلس کاری برای مردم انجام ندادند. برای همین است که مردم دیگر رای ندادند." بعد از این سرکارگر گفت: " ایکاش منم در این رای گیری شرکت نمی‌کردم." یکی از کارگران که شمالی است میگفت: " منم رای خود را سیاه کردم و عکس

رفسنجانی و خلخال را کشیدم و خانم اسم خواهر و برادرهای خود را نوشته است." یکی دیگر از کارگران اسم نماینده محل خود را که در انجمن است نوشته است.

رشت - در سال جدید تعداد دستگیریه‌ها در رشت و انزلی بسیار زیاد شده است و رژیم کلیه کسانی را که قبلا آزاد نموده بود دوباره بازداشت نموده است.

زنجان - در سال جدید حدود ۱۸ نفر از زندانیان سیاسی در زنجان اعدام شدند که به جز ۴ نفر بقیه از شهرستانهای دیگر بودند.

تهران

پاسداران ارتجاع باز هم جنایت تازه‌ای - آفریدند. در تاریخ جمعه ۳۳/۲/۱۴ حدود ساعت ۲/۵ بعد از ظهر در تقاطع جمهوری - اسکندری (تهران، تویوتا) گشت منطقه ۸ کمیته بدلیسل نامعلومی با سرعت زیاد با چند اتومبیل و عابر و دکه روزنامه فروش نبش چهارراه برخورد کرد که منجر به کشته و زخمی شدن عده زیادی گردید. از

جمله احتمالا تمامی شش سرنشین يك پیکان سواری، يك مادر و بچه اش شدت برخورد بحدی بود که سر مادر از بدنش جدا شده و عده‌ای را هم به شدت زخمی کرد. شاهدان تصادف تعداد کشته شدگان را در حدود ۱۴ نفر ذکر کردند. بلافاصله بعد از این تصادف هولناک که سالهاست نظیر این حوادث در گوشه و کنار میهنمان اتفاق می‌افتد، مردم خشمگین که دیگر برایشان مجل شده که این کمیته‌چی‌ها و پاسداران جز مشتی اراذل و لمپن‌های قاچاق - فروش و منحرف‌نیستند و این تصادفات پی در پی بر اثر اخلاق و رفتار غیر انسانی این مزدوران و نشنگی حاصل از حشیش یا مواد مخدر دیگر است، این جانیان را مورد حمله قرار داده و هر چهار مزدور را بشدت مجروح کردند بطوریکه برای بودن آنها آمبولانس آوردند. در این تنبیه مردمی حتی از چاقو نیز استفاده شده بود حمله کنندگان قبل از آمدن کمیته از محل دور شدند.

تهران

دزدهای انجمن اسلامی کارکنان دانشگاه تهر - ان پس از چهار سال غارت اموال شرکت تعاونی بالاخره با رای قاطع کارکنان دانشگاه برکنار شدند. انجمن اسلامی این مزدوران سرمایه درکار - بقیه در صفحه ۱۲

خجسته باد...

بقیه از صفحه ۱

امسال نیز کارگران ایران در حالی به استقبال این روز تاریخی میروند که حکومت کوردلان جمهوری اسلامی تمامی هستی کارگران و سا- بر اقسار زحمتکش ایران را به نابودی کشانده و دار و ندارشان را بکام جنگی که حاصلش جز آوارگی، بیکاری، فقر، فلاکت و تیره روزی نبوده کشانده است. آری جنگی که ماشین آن جز زندگی هستی انسانها تغذیه ای دیگر ندارد. جنگی که برای مردم مبارز ایران جز ویرانی و خانه - مقابله با رزیم پلیمان و جنون آسا به جنبش کارگری و دستگیری رهبران کارگران پرداخت. بعد از این حمله سبعانه و جنون آسا به جنبش کارگری رژیم امریکا چهار تن از رهبران کارگران را بلیك محاکمه فرمایشی به اعدام محکوم میکند. کار- گران امریکا بعد از دهسال از این تاریخ به خو- است هشت ساعت کار دست می یابند.

از آن زمان به بعد کارگران سراسر جهان اول ماه مه را در هر شرایطی با نغاه مختلف جشن گرفته و بدینوسیله همبستگی بین المللی خود را اعلام داشته اند. کارگران ایران نیز همانند سایر کارگران جهان با استقبال این روز تاریخی چه در زمان رژیم منفور پهلوی و چه در رژیم خون آشام جمهوری اسلامی شتافته اند. کارگران میهنمان بعد از قیام شکوهمند بهمن ۵۷ اول ماه مه را با شکوهی هرچه تمامتر جشن گرفتند و در این روز طبقه کارگر ایران قدرت لایزال خود را بنمایش گذارد. در سال گذشته که همچون سالهای دیگر سالی نکبت بار در دوران حکومت جمهوری اسلام می برای کارگرانی که در زیر بار وحشیانه استثمار است، بیش از پیش ستم طبقاتی را حس میکردند، بود با دست کشیدن از کار اینروز را گرامی داشتند. گرچه کارگران ایران مانند سایر کارگران جهان تحت فشار شدید بهره کشی کمرشان خم میشود لیکن روز بروز در جهت گرفتن آگاهی و متشکل شدن برای براندازی نظام پوسیده سرمایه داری و براندازی جمهوری اسلامی گامهای استوارتری برمیدارند و با متشکل شدن در کمیته های مخفی اعتصاب کارخا- نجات خود را برای بوجود آوردن جامعه ای عاری از طبقه که در آن اثری از استثمار، فقر، فلاکت و سیه روزی کارگران و زحمتکشان نباشد، آماده می کنند.

بقیه در صفحه ۳

مردم زحمتکش ایران و در رأس آن طبقه کارگر ایران خواهان خاتمه این جنگ ارتجاعی بوده و صلح و آزایی و رفاه اجتماعی میخواهند. طبقه کارگر ایران امسال در حالی به استقبال اول ماه مه می رود که خلق کرد گرچه کماکان زیر شدیدترین بمبارانها و انفجارهاست لیکن راسختر از همیشه به پیش می رود و خواب - بر مزدوران جمهوری اسلامی حرام کرده - طبقه کارگر ایران امسال در حالی با استقبال اول ماه مه می رود که خلق بلوچ نیز مصمم است که جایگاه خویش را در انقلاب دمکراتیک خلق برهبری طبقه کارگر ایران کسب کرده و همپای سایر خلقهای ایران به پیش بتازد.

طبقه کارگر ایران این طبقه پیشاهنگ جامعه که برای برانداختن نظام سرمایه داری و استقرار جامعه عاری از استثمار مبارزه میکند، تنها طبقه ایست که قادر است در مرحله کنونی انقلاب توده های وسیع مردم را رهبری کرده و انقلاب دمکراتیک توده ای ایران را برای سرنگونی رژیم جمهوری اسلامی و برقراری جمهوری دمکراتیک خلق آماده می کند.

رهبری طبقه کارگر ضامن پیروزی مبارزات ضد امپریالیستی - دمکراتیک خلقهای ایران است

باند...

بقیه از صفحه ۱

توده‌ها از رژیم ارتجاعی جمهوری اسلامی طبق دستور ارباب بزرگ خود آمریکا و ولیعهد کودن نرصدند تا سلطنت را بازگردانند. آنها بهر جنایتی دست می‌زنند، بهر وسیله‌ای توسل می‌جویند تا به آرزوی برپاد رفته خود برسند.

نشریه بامی‌استار در چندین شماره اقدامات خائنانه خوانین را افشا نموده است. وسعت این افشاگریها بحدی بوده است که توانست بی اعتباری خوانین را در منطقه باعث شود. رژیم جمهوری اسلامی از بدو روی کار آمدن دست خوانین را بگرمی فشرده، اما بامی‌استار بر این اتحاد آتش انداخت و بسا بسیج زحمتکشان و حتی برپا داشتن تظاهرات بر علیه خوانین چنان جوی بر علیه خوانین بوجود آمد که آنها فرار را برقرار ترجیح دادند.

اما خوانین در خارج از کشور بیکار ننشستند. آنها تشکیلات مخصوص خود را درست کرده‌اند مستقیماً با سلطنت طلبان و ولیعهد ارتباط گرفتند صدها هزار دلار و اسلحه و مهمات دریافت داشتند تا بتوانند به رویاهای خود جامه عمل بپوشند. ما از ذکر آنچه در سابق نوشته‌ایم خودداری نمی‌کنیم و در این مقاله پرده از صحنه‌ای بر میداریم که بازیکنان اصلی آن میرمولاداد خائن و جما خان جاسوس (اسم مستعار ملا محمد) و چهره‌ای جدید با اسم یعقوب (نصیر) به رهبری سلطنت طلبان در پناه امپریا - لیسم جهانی بسرکردگی امپریالیسم آمریکا میباشد. قبل از آنکه وارد بحث بشویم باید به یک سوال پاسخ بگوئیم که ممکن است پیش بیاید، امپریالیسم آمریکا چگونه حاضر خواهد شد با وجودیکه رژیم فعلی پاسدار سرمایه‌داری وابسته و تامیسن‌کننده منافع امپریالیستهاست در پی سرنگونی این رژیم باشد؟

خیزش توده‌ها و پی آمدن آن قیام شکوهمند ۲۲ بهمن ۵۷ طومار ننگین حکومت پهلوی را درهم پیچید، امپریالیسم و ارتجاع محلی از هراس رادیکال شدن جنبش و قدرت‌گیری نیروهای انقلابی رضایت دادند تا ارگان سازش‌شکل گیرد و حکومتی روی کار آید که منافع امپریالیستها را تامین نموده سرمایه‌داری وابسته را بازسازی کند (در مورد چگونگی تشکیل ارگان سازش و ماهیت طبقاتی آن رجوع شود به تحلیل‌های سازمان چریکهای فدائی خلق در نبرد ۱ و نشریه کار ۱۷۶ و ۱۷۷)

امپریالیستها به این کودک نوآموز شیوه بازسازی سرمایه‌داری وابسته را می‌آموختند و هر جایی که بازیگوشی میکردند استوی را تنبیه مینمودند. حکومت نیز راه و رسم احیا سرمایه‌داری - وابسته ضربه دیده را فرا گرفت. امپریالیسم عناد صری را بعنوان لولوخور خوره در کنار خود داشته است تا حکومت را بترسانند. این مترسکهای امپریالیسم یعنی سلطنت طلبان را امپریالیسم آمریکا بدانجهت در پناه خود نگهداشته است که چنانچه روزی جمهوری اسلامی قادر به ایفای نقش خود نباشد و توده‌ها با داس و تیغه‌های سهمگین پی‌های رژیم را درهم ریختند امپریالیسم نوکران ذخیره را وارد کارزار کنند و آنها را بحکومت برسانند. برای امپریالیسم تفاوتی ندارد که بازی‌کننده نمایشنامه خمینی باشد و یا شاه، هویدا یا رجائی بسا وی چیززی که مهم است سوندهای سرشار و غارت ثروت - های ایران میباشد.

تاکنون ما بارها میرمولاداد و تک‌تک خوانین بلوچستان را افشا نموده‌ایم، جما خان و یعقوب چهره‌های جدیدی هستند که در نشریه می‌آیند هرچند خود این افراد سابقه خیانت طولانی دارند، برای اینکه توده‌ها را با ماهیت این افراد آشنا کنیم مقداری به سابقه خیانت‌بار این جاسوسان دست‌به‌سینه برمیگردیم.

در سالهای ۴۶ - ۴۷ عبدی خان فتودال و خائن بزرگ بلوچستان در پی اختلافاتی که با سائیرین داشت و سر تقسیم پستها اختلاف پیش آمده بوده به اصطلاح مهاجرت نمود و بنای مخالفت با رژیم شاه را گذاشت. فردی با اسم جما خان که از بلوچهای پاکستان و از طایفه و از طایفه بژ ساکن نشت بلوچستان میباشد و فردی بود تحصیل کرده همراه عده‌ای دیگر به وی پیوستند و آنها طرح یک جاسوسخانه‌ای را بر - ای خود ریختند با اسم جبهه تحریر بلوچستان (جبهه آزادبخش بلوچستان) این جبهه بزودی طبق ماهیت خود از حمایت سران مرتجع عرب برخوردار گردید.

عده‌ای از بلوچهایی که برای پیدا نمودن کار به آن کشورها رفته بودند، از آنجائیکه از رژیم شاه متنفر بودند و ماهیت این افراد را نمیدانستند به جبهه روی آوردند. جبهه که آلتی شده بود برای تامین منافع سران مرتجع عرب در منطقه و اختلافاتی که با ایران داشتند عده‌ای از این بلوچها را به بلوچستان برای انجام عملیات نظامی در سال‌های ۴۹ - ۵۰ فرستادند. اما این افراد که هیچ -

مامور خدمت در این جبهه گردیدند . یکی از این جاسوسها فردی با اسم یعقوب میباشد که سالها سمت منشی جبهه را بعهده داشته است و فعلا در کادر رهبری این جبهه خائنین میباشد .

اقدامات جبهه خائنین

این جبهه از آنجائیکه از عدهای از خوانین جاسوس و نوکر و طبق منافع امپریالیستها و سران مرتجع عرب تشکیل یافته است و در این جهت حرکت می کند ، به هیچ وجه برگردان منافع توده های بلوچ نبوده بلکه جریانی است خائن به منافع زحمتکشان بلوچ و تاکنون هم هیچ اقدامی در جهت منافع توده ها انجام نداده است . فعالیت آن محدود میشده است در گرفتن پول و امکانات تسلیحاتی از امپریالیست ها و سران مرتجع عرب و تقسیم آن بین همپالگهای خود و خوانین منطقه . صدها هزار دلار و صدها قبضه اسلحه تاکنون بین خوانین و سرداران مرتجع عسکری تقسیم شده است که بمصرف جنگ طایفه اسی رسیده است . از اقدامات این خائنین در این میان فقط خوانین بوده اند که سود جسته اند .

اقدامات فعلی جبهه خائنین

میرمولاداد خائن برادر عبدی خان در زمان شاه یکی از سرسپردگان بنام حکومت بود که از هیچ جنایتی بر علیه بلوچها فروگذاری نکرد . بعد از سرنگونی شاه و روی کار آمدن جمهوری اسلامی ، میرمولاداد خائن مامور باصطلاح حفظ امنیت منطقه یعنی خواباندن حرکت های انقلابی زحمتکشان بلوچ گردیده ، اما سیاستهای شاهی دیگر رونقی نداشت زیرا بلوچستان نسل آگاه و انقلابی شکل گرفته بود که کینه ای عمیق نسبت به امپریالیسم و سرمایه داری وابسته و خوانین داشت ، این نسل پرشور و آگاه که درسنگر سازمانهای انقلابی بخصوص تشکیلات هواداران سازمان چریکهای فدائی خلق ایران گرد آمده بودند ماهیست جمهوری اسلامی و خوانین و پیوند آنها را افشام نمودند ، میرمولاداد و سایر خوانین فراری گشتند و ارتباط

گونه اطلاعات سیاسی و آگاهی طبقاتی نداشتند بمحض ورود به ایران تسلیم شده و ماهیانه مقرری از ساواک دریافت داشتند .

جما خان جاسوس از آنجائیکه تحصیل کرده بود و به چندین زبان تسلط داشت و در نوکر پیشگی و جاسوسی تبحر بیشتری داشت ، نظر مقامات مرتجع عرب بخصوص عراقیها را بیشتر بخود جلب نمود . بنا جایی که این روباه مکار در طرح کودتائی که توسط رئیس سازمان اطلاعات عراق بر علیه حسن البکر رئیس جمهور وقت عراق ریخته بود شرکت کرد وی مامور بود که خبر کودتا را از رادیو پخش کند . اما کودتا ناکام ماند و جما خان و سایرین دستگیر شدند و مدتی به زندان افتاد که بعدها با وساطت سایر مرتجعین عرب در زمان حکومت صدام حسین آزاد گردید . عبدی خان خائن بعد از فروکش نمودن اختلاقات ایسران و عراق در سالهای ۵۲ - ۵۳ به تهران آمد و تسلیم شد . خان مزدور دیگری با اسم موسی خان مبارکی برادر امان مبارکی از طرف ساواک مامور گردید که به عراق برود ، موسی خان در غیاب عبدی خان و زندانی بودن جما خان به مدیر کلی جبهه خائنان رسید . موسی خان مزدور تمام اطلاعات را در اختیار ساواک قرار میداد و افرادی که به بلوچستان می آمدند فورا دستگیر میشدند . یکبار وی را در راه افغانستان همراه با مدارک فراوانی دستگیر نمودند . موسی خان خائن یکی از افراد نا آگاه اما سالم با اسم عبدالرشید امیری را که به این جبهه روی آورده بود و چون وی را فردی خطرناک برای خود و ساواک میافت بگونه ناجوانمردانه بقتل رساند . جسد وی را در کیسه گونی پیچید و بچاه انداخت و برادر دیگرش عبدالصمد امیری توسط ساواک دستگیر گردید . فاجعه و خیانت مزدور آنچنان وسیع که حتی اربابان برای حفظ ظاهر موسی خان را دستگیر و اعدام نمودند . جما خان خائن از زندان آزاد و برهبری رسید .

عدهای از بلوچها که در زمان استعمار انگلیس پاکستان گریختند در آنجا با سلطنت طلبان ارتباط بر شبه قاره هند و عراق به عراق رفته بودند و آنجا ماندگار هستند ، افراد خائن و مزدوری از این شخصی میسرانند . میرمولاداد برای خودش در سنندج بلوچها نیز که در دستگاه های جاسوسی عراق بودند

(g) - تضمین حق پناهندگی برای اتباع سایر ممالک که بخاطر شرکت در مبارزات انقلابی تحت پیگرد میباشند.

(h) - محاکمه کلیه کسانی که بنحوی در شکنجه ، قتل ، تعقیب انقلابیون و خلق دست داشته اند.

۲- اقتصاد ثابت و مستقل

حکومت انقلابی رهوس زیر را در نظر خواهد گرفت :
(a) - ملی کردن کلیه اموال کمپانیهای معدن ، کمپانیهای چوب و کلیه انحصارات یانکی که در غارت ثروت نیکاراگوئه شرکت داشتند.

(b) - ملی کردن کلیه املاک مزروعی بزرگ (لاتیفوندات : متعلق به الیگارشی زمین) ، کارخانجات ، صنایع قند و شکر ، وسایل حمل و نقل و اموال دیگری که توسط خانواده سوموزا غضب شده اند.

(c) - ملی کردن کلیه املاک مزروعی بزرگ ، کارخانجات ، وسایل حمل و نقل و ۰۰۰ که توسط سیاستمداران ، نظامیان و تمامی کسانی که " بنحوی در سیستم بورکراتیک رژیم ضد خلقی سهمیم بوده اند غضب شده اند .

(d) - ملی کردن بانک و قرار دادن آن در جهت توسعه اقتصادی کشور .

(e) - استقرار کنترل بر تجارت خارجی برای دگرگونی و استقلال آن .

(f) - برنامه ریزی در اقتصاد ملی و برانداختن هرج و مرج موجود در تولید رژیم کنونی .

(g) - کنترل و ایجاد موسسات خاصی برای اکتشاف و بهره برداری از منابع طبیعی ، برق رسانی برای توسعه کامل کشور .

(h) - کنترل و شرکت کارگری در اداره کارگاهها و سایر اموال ملی شده (املاک بزرگ مزروعی ، کارخانجات ، معادن و ۰۰۰) .

(i) - حمایت از مالکان خرد و متوسط (تولیدکنندگان خرده پا و کسبه) .

(j) - توسعه راههای ارتباطی (راههای آهنی که قبلا در نتیجه مبارزات خلق ملی اعلام شده بود توسط رژیم وطن فروش از بین برده شده) .

(k) - ایجاد و تضمین پولی مستقل با ارزشی ثابت

(l) - برقراری سیستم مالیاتی درست و عادلانه .

(m) - برسمیت نشناختن (لغو) کلیه قروضی که از طرف انحصارات یانکی تحمیل شده است .

۳- انقلاب ارضی

سیاست ارضی انقلاب خلقی ساندینیستی عبارت است از : تقسیم عادلانه کلیه اراضی بزرگ مزروعی برای دهقانانی که روی آن کار میکنند .

(a) - سلب مالکیت از کلیه شرکتها ، سرمایه داری کشاورزی و دامداری و اراضی بزرگ مزروعی در انواع اشکال ، به منظور محو تملک انگل وار زمین از استثمارگران .

(b) - واگذاری زمین به دهقانان بنا به اصل زمین از آن کیی است که روی آن کار میکند .

(c) - تشویق و ترغیب دهقانان برای تشکیل شرکتها ، تعاونی (کثوپراتیوها) در روستاها .

(d) - دادن وامهای کم بهره به دهقانان جهت خرید وسایل و ماشین آلات کشاورزی ، بذر ، کود و ۰۰

(e) - لغو کلیه قروض و دیون دهقانان به مالکین اراضی و غاصبین .

(f) - ایجاد دگرگونی در سیستم کشاورزی و دامداری از طریق مکانیزه کردن درست و استفاده سیستماتیک از تکنیکهای مدرن (کودپاشی هوائی ، ایجاد تنوع یا انتخاب بهترین نوعها در بذر ، آبرسانی و آبیاری و ۰۰۰)

(g) - گسترش و توسعه محصولات کشاورزی برای پایداری دادن به تک محصولی فعلی موجود در کشاورزی بوجود آوردن شرایطی برای تولید و تنوع دامداری در شرایط ویژه هر منطقه .

(h) - حمایت از مالکان خرد و متوسط زمین .

(i) - حمایت از مالکان زمینی که با مبارزه مسلحانه انقلابی همکاری می کنند : اگر زمین این مالکان از حدود تعیین شده توسط قانونهای ارضی تجاوز کند ، زمینهای آنها خریداری شده و به دهقانان محتاج واگذار میشود .

(j) - ایجاد کار برای دهقانانی که طی ماههای متمادی از سال در بیکاری بسر میبرند .

(k) - تضمین ایجاد بازار برای محصولات کشاورزی و دامداری .

۴- قانون کار و بیمه های اجتماعی

انقلاب خلقی ساندینیستی ، به تمام بی عدالتیهای ناشی از شرایط کار و زندگی کارگران و کارکنان پایان خواهد بخشید .

(a) - وضع قانون کار و بیمه های اجتماعی برای کلیه توده های زحمتکش .

(b) - آزادی کامل تجمع سندیکائی .

(c) - احترام مطلق به مقام کارکنان و ممنوع کردن رفتار نادرست در جریان کار با آنها .

(d) - آزادی کامل تجمع سندیکائی .

(e) - احترام مطلق به مقام کارکنان و ممنوع کردن رفتار نادرست در جریان کار با آنها .

(f) - آزادی کامل تجمع سندیکائی .

حکومت بارکزائیها از بالا صورت میگرفت تا به وسیله فشار از پائین و خیزشهای توده انسی، چرا که نظم برده داری در بلوچستان هیچگاه مسلط نگردید تا بردگان بر علیه آن خیزش کنند.

حکومت دوست محمد خان هر منطقهائی را تصرف میکرد ساکنین آنجا را وادار به پرداخت مالیات مینمود و چون مالکیت بر روی زمین در آن زمان خرده مالکی بود و حتی طوایف نیز مقدار زمینی کمی در تملك داشتند و زمینها بین افراد طایفه و خانوادههای بزرگ تقسیم گردید بزرگ مالکی بطور کامل فرصت رشد نیافت و حکومت دوست محمد خان نیز قادر نگشت تا این امر را متحقق سازد. عمده مالکین در بلوچستان آن زمان را در صدر طایفه بارکزائی و طوایف حاکمی که سلطه دوست محمد خان را پذیرفته بودند، تشکیل میدادند.

طبقات موجود در دوران حکومت بارکزائیها:

طبقات در این دوران عبارت بودند از:

۱- طبقه مالک: این طبقه گرچه با اندازه کافی رشد نکرده بود و از قدرت سلطه گری مطلق بر تمام بلوچستان برخوردار نبود، ولی آنقدر رشد کرده بود که تفاوت آن آشکارا با سایرین مشخص شود و فرمانروائی آن بر سایر طبقات عینیت یافته بود. مقداری از زمینهای کشاورزی و مستعدترین آنها متعلق به این طبقه بود. رعایا و بردگان بر روی این زمینها کار میکردند. رعایا علاوه بر اینکه خودشان قطعه زمینی در تملك داشتند اما اجبارا به کار بدون مزد و بهره بر روی زمینهای مالکین گمارده میشدند. مالکیت زمین در اختیار طوایف مسلط قرار گرفت و هنوز شکل طایفه ای داشت.

۱- عمده مالکین از طایفه بارکزائی بودند. قسمت اعظم دارائی این طایفه در اطراف ایرانشهر و بمپور و بخصوص در سراوان قرار داشت.

۲- خوانین و طوایفی که قبلا بر هر منطقه فرما نروائی داشتند و اینک به قدرت دوست محمد خان کردن نهاده بودند.

۳- روحانیون وابسته به دستگاه خوانین، روحانیون وابسته علاوه بر تملك روی زمین بخش قضائی و تبلیغاتی حکومت را نیز بعهده داشتند.

قدرت دولتی در بلوچستان در دست این طبقه بود که در رأس آن شخص دوست محمد خان قرار داشت

پیش از همدیگر ساخته شده اند که از قدمت آنها تاریخ دقیقی درست نیست، ولی آنچه معلوم است اوج رونق این قلعهها در مناسبات عقب مانده فتودالی بوده است. فرمانروائی این قلعهها دست بدست میگشته است هر چند گاهی یکی از قبایل به قدرت میرسیده اند و برای مدتی حکومت خود را به قبیلهائی دیگر میداد و اتفاق می افتاده یکی از طوایف بر چندین قلعه در یک منطقه حکومت کند.

مبارزات طوایف بالاخره به پیروزی طایفه بارکزائی بر قسمت وسیعی از بلوچستان منجر گردید، این دودمان از سوی حکومت قاجاریان نیز به رسمیت شناخته شد و بخشی از مالیاتهای جمع آوری شده توسط قدرت محلی بارکزائی به والسی کرمان تحویل داده میشد. طایفه بارکزائی، قدرتها محلی را درهم شکسته و آنها را وادار به اطاعت مینمود، مالیات جمع آوری شده از دهقانان و رعایا و حتی عشایران توسط این قدرتها محلی مقهور شده به خزانه بارکزائیها و از آنجا سهم دولت مرکزی جدا می گردید. در این دوران - طبقه رعیت که نطفه های آن قبلا در حکومتهای محلی و پیرامون قلعهها بسته شده بود شکل گرفت. شکل گیری رعیت در مرحله آغازین بود و قادر نگشته بود رنگ طایفهائی را مضمحل گرداند هنوز تقسیم بندی قبیلهائی و گروهی در میان رعایا رواج داشت. در این دوران بلوچها با ستم قاجارها آشنائی داشتند و ساکنین سایر مناطق ایران را قجر مینامیدند. قشون قاجار علاوه بر دریافت مالیات جمع آوری شده توسط حکومت بارکزائی هر از چند گاهی به بلوچستان یورش می آوردند و مستقیما بلوچها را از هستی ساقط میکردند. قدرت بارکزائی بخصوص در زمان دوست محمد خان خائن پیوسته در حال گسترش و توسعه بود، میرفت تا سرحد و بلوچستان جنوبی را نیز تحت سیطره خود درآورد. مرکز این قدرت در بمپور قرار داشت و مرکز عمده دیگر آن در سراوان بود و تمام قدرتها محلی سراوان را یکی پس از دیگری بزیر قدرت خود درآورد. در سراوان رعایا به صورت یک طبقه درآمدند که بهره و مالیاتهای سنگین پرداخت میکردند. ساکنین بمپور قصرقند و نیک شهر نیز چنین وضعیتی داشتند. مناسبات فتودالی و شکل گیری رعایا در بلوچستان بوقت

گرچه دوست محمد خان و پدرش خراجگذار قاجاریان بودند اما در اواخر حکومت قاجاریان به علت ضعف حکومت مرکزی دوست محمد خان در جهت تحکیم قدرت خود مدتی بصورت خودمختار عمل میکرد و مدتها به خزانه مرکزی چیزی تحویل نداد. این خودسری دوست محمد خان نه از قدرت وی بلکه از ضعف دستگاه مرکزی ناشی میشد. دوست محمد خان مستبد در بمپور دارالحکومت بوجود آورده بود که دارای یک قشون منظم و نگاهبان دائم قلعه بود. قشون تعلیمات نظامی نیز میدیدند. نمایندگان دوست محمد خان در مناطق دیگر تا حد امکان از طایفه و وابستگان فامیلی خودش بودند و در مکانهایی که مجبور می‌گشت از حکام قبلی که اینک امر وی را مطیع بودند استفاده میکرد. روحانیون مشاورین وی در پیشبرد امور بودند. در قسمت هائی از قلعه زندان قرار داشت که زندانبان خود فناکی داشت. زندانبان عبارت بودند از کسانی که مالیات پرداخت نکرده بودند تا افرادی که گردنکشی میکردند این افراد از سران طوایف و قبایل را شامل میشدند تا بردگان و غلامانی که از کار خانگی فرار میکردند. برای اخذ مالیات مامورینی تعیین شده بودند که در واقع مورد نفرت شدید و خصمانه رعایا بودند. این جلادان بیشترین ستم را روی دهقانان روا میداشتند. مامورین تمام زمانیکه محصولات کشاورزی را بازدید نمی‌کردند دهقان حق برداشت نداشت. مامورین محصول را قبل از برداشت مالیات می‌بستند. نگاه آنرا جمع آوری نموده سهم خان را کنار میگذاشتند و بقیه را برای خرجی خانواده اش میبردند. گاهی اتفاق می‌افتاد که مالیات بمراتب بیشتر از تمام محصول باشد. آنگاه دهقان مجبور بود کسی را از سایر افراد فامیل قرض کننده قدرت استبدادی دوست محمد خان شامل دو قسمت بود یک نظامی که زندانبانها را نیز در دست داشت و از نیروهای مسلح برای فتوحات جدید و اداره مناطق تحت نفوذ استفاده میشد و دستگاه بوروکراسی که برای جمع آوری خراج و مالیات و بهره و رسیدگی به امور قلعه استفاده میشد.

۲- رعایا: تمام کشاورزان و زارعین ساکن در سرزمینهای تحت فرماندهی قدرت ارتجاعی دوست محمد خان بعنوان رعیت خرده مالک روی زمین بکار کشت و زرع مشغول بودند، آنها فقط اراده کار داشتند، ولی اراده برداشت محصول از آنها سلب شده بود. محصول باید از سوی نمایندگان دستگاه حکومتی مورد ارزیابی قرار میگرفت و مالیات آن تعیین میگردد پس از آن صاحب آن اجازه برداشت داشت. رعایا علاوه بر مالیاتی که از محصول کشاورزی آنها گرفته میشد مجبور بودند چندین نوع دیگر بهره را نیز پرداخت کنند این بهره از سوی حکومت قانونی بود و هر فرد وظیفه داشت آنرا پرداخت کند و الا سزا میدید. این بهره‌ها عبارت بودند از بهره بصورت بیگاری، رعایا مجبور به دادن بیگاری بودند، آنها هر وقت که از طرف دربار احضار میشدند، ناگزیر از حضور بودند و هر چند روزی که خوانین می‌خواستند باید روی زمینهای آنان کار میکردند و یا در خانه خان کار انجام میدادند و یا خانه و قلعه های جدیدی میساختند. لفظ رعیت و بیگار در زبان بلوچی نیز وجود دارد و رعیت بهمان مفهوم فارسی آن استفاده میشود و بیگار عبارتست از کاری که از روی اجبار بدون پرداخت مزدی صورت می‌گیرد.

بهره نقدی، مالیات روی مالکیت آب و زمین به صورت نقدی (پول) دریافت میشد. جریمه های سنگین، آنان که مورد غضب قرار می‌گرفتند محکوم به پرداخت مبلغی پول و یا گنجم می‌گردیدند.

علاوه بر اینها هر وقت قشون برای فتح سرزمینهای میرفت، زنهای دهقانان مجبور بودند مقداری گند که برای آنها سهم تعیین می‌گردید با آسیاسنگی آرد کنند و مردان مجبور بودند همراه قشون به حمل آذوقه و مهمات بپردازند و خوراکی تهیه کنند و آنها فی که قدرت رزمی داشتند اسلحه بدوش گیرند و بجنگند.

۳- عشایر: قبایل آزادی بودند که در کوهها و صحراها بکار پرورش دام مشغول بودند، البته تعدادی از این قبایل تحت ستم خوانین قرار داشتند و دامها و محصولات آنها از گزند خوانین بر حذر نبود.

اخبار

بقیه از صفحه ۱۰

خانه اداره و دانشگاه و ... که امروز در همه جا دستشان در دزدی و جنایت و فساد روده است در دانشگاه تهران مدت‌هاست که با سماجت تمام و با استفاده از هر امکاني سعی می‌کنند محل دزدی خود، تعاونی کارکنان را از دست ندهند تا هم محلی برای سواستفاده و دزدی داشته باشند و هم دزدیهای قبلیشان بر ملا نشود. این باند مرتجع مزدور مدت‌سه سال است که از تشکیل مجمع عمومی اعضا تعاونی جلوگیری می‌کنند تا مبادا ناچار شوند حساب پس بدهند. در سال ۶۱ که نزدیک شدن پایان دزدیهایشان را احساس کرده بودند با آتش زدن عمدی شرکت تعاونی در شب چهارشنبه سوری خواستند که سرپوسی بر دزدیهای خود بگذارند ولی با رسوایی تمام کارشناسان آتش نشانی اعلام کردند که آتش سوزی از داخل اتفاق افتاده و علاوه بر آن صورت اموالی را که مسئولین مدعی بودند سوخته تایید نکرده و گفته است که چنین اجناسی اصلا نسوخته است. بالاخره با تمامی توطئه‌های انجمن اسلامی و پس از حدود ۴ ماه تعطیلی تعاونی چهارشنبه ۱۳/۲/۶۲ مجمع عمومی تشکیل گردید. انجمن اسلامی که تا این مرحله نتوانسته بود کاری از پیش ببرد و می‌دانست که کسی به آنها رای نخواهد داد در آخرین لحظه با توسل جستن به رئیس دانشگاه از کاندیدا شدن عده‌ای از کارکنان معانعت کردند، اسامی آنها را از لیست کاندیدای عضویت هیئت مدیره خط زدند و ولی این توطئه هم کارگر نشد. نتیجه انتخابات تو دهنی محکمی بود بر دهان انجمن اسلامی ارتجاعی. هیچیک از مسئولین سابق تعاونی در هیئت مدیره جدید انتخاب نشدند! بالاترین رای انجمن اسلامی را یک نفر بنام نبکدار آورده بود آنها هم در دوره‌های آخر بعنوان عضو علی البدل. جالب توجه اینکه کسانی را که آقایان (!) نامشان را از لیست کاندیداها حذف کرده بودند سه برابر بالاترین رای انجمن اسلامی رای آوردند.

که نامش محمود خوش کردار و فرزند يك كاس بوده است را بشهادت میرسانده این جوان تازه از جبهه برکشته و مجروح جنگی بوده است. مردم با مشاهده این جنایت هولناک به پاسدار جنایتکار حمله کرده و او را بشدت کتک می‌زنند، بلافاصله کمیته‌چی‌ها سر می‌رسند ولی نمی‌توانند همقطار جنایتکار خود را از دست مردم بدر آورند که متوسل به تیراندازی هوایی می‌شوند و لاشه پاسدار را که بشدت مجروح شده بود با ماشین از محل دور میکنند. مردم در اعتراض به این جنایت پاسداران دست به راهپیمایی زده و بر علیه رژیم جنایتکار خمینی شعار میدهند. از جمله شعارهای این راهپیمایی "مرك بر خمینی" بوده است روز بعد از راهپیمایی رژیم جنایتکار حدود ۱۲۰ نفر از مردم را دستگیر و زندانی میکنند.

انتخابات

تهران - یکی از مسئولین یکی از حوزه‌های رای گیری می‌گفت: "۳۰ نفر را شورای روحانیت مبارز انتخاب کرده است و همان ۳۰ نفر انتخاب می‌شوند. اینکارها همه فرمالیته است."

تهران - یکی از افرادی که در حوزه‌ای رای ها را می‌شمرده می‌گفت: "مردم نسبت به رای گیری گذشته کمتر شرکت کرده بودند و بعضی‌ها هم که آمده بودند فقط به خاطر مهر خوردن شناسنامه بوده است. خود من با يك نفر بر سر اینکه می‌گفت "جای مهر را نشانم بده دعوايم شده است" همین شخص می‌گفت: "در روی ورقه‌های رای خیلی چرت و پرت نوشته شده است" بعنوان نمونه: "وکلای مجلس گذشته چه غلطی کرده‌اند که شما میخواهید بکنید." یا روی یکی از رایها شكلك رفسنجانی را کشیده بودند.

تهران - در بین مردم شایع است که دولت میخواهد کالاهای اساسی (قند، شکر، روغن، نفت، بنزین و ...) را گران کند ولی بعلمت انتخابات این را به مجلس بعدی محول کرده است.

بدترین خاطره رفسنجانی خائن

ارديبهشت ماه: در مصاحبه تلویزیونی از رفسنجانی سؤال کردند که یکی از بدترین خاطرات زندگی خودتان را بیان کنید، رفسنجانی با شعبده بازی خاص خودش آه سردی کشید و گفت: روزی رفسنجا - نرفته بودم با دوستان شام را باهم خوردیم صبح

جالوس - چهارشنبه ۱۳/۲/۶۲

یکی از پاسداران ارتجاع بر اثر جرو بحث با عده‌ای از جوانان که سرگرم بازی والیبال بوده‌اند بدون مقدمه ناگهان از اسلحه خود استفاده کرده و با شلیک يك گلوله جوانی

اخبار...

بقیه از صفحه ۱۷

از خواب بیدار شدم دیدم مادرم ظرفها را می‌شوید، ناراحت شدم! گفتم: مادر یکی دیگر نیست؟ چرا کلفت نمی‌گیری؟ مادرم گفت که الحمدالله دولت جمهوری اسلامی ملت را پولدار کرده، کسی احتیاج ندارد، برای این خودم می‌شورم! زهی بیشرمی.

که این روزها کمبود و گرانی آنقدر بیداد می‌کند که هموطنان از حال یکدیگر جویا می‌شوند، پاسخ میدهد کیلوئی صد و بیست تومان. جوانان با تعجب می‌گویند در شهر شما گوشت خیلی کم است برای همین قیمتش گران است، در اینجا و کرستان گوشت آنقدر فراوان است که مجبور هستیم زیر خاک کنیم، این آخوندها را دیدی اینها خون صدها نفر مثل من و تو را به زمین ریخته‌اند، اگر گوشت انسان قابل مصرف بود ما به تمام جهان قادر بودیم گوشت عرضه کنیم آری اینچنین است وضع فعلی ایران.

آقای ناطق نوری وزیر کشور با خانم معلم کرو لالها طرح دوستی می‌ریزد که توسط یک پاسدار در حین جنایت لو میرود، اما برای جلوگیری از ریختن آبروی وزیر کشور جنایت‌پیشه پاسدار سربه نیست میشود. یکی از نمایندگان آخوند مجلس از قضیه مطلع میگردد، در مجلس خائنین به خلق اظهار میدادند در کشوری که وزیر کشورش اینچنین برنامه‌ها را اجرا می‌کنند وای بحال دیگران. نماینده مجلس با اعتراض شدید رفسنجانی و غفاری روبرو میگردد، مجلس بهم میخورد و در همینجا پخش مستقیم تلویزیونی نیز قطع می‌گردد.

درد بر هواداران ستیزنده سازمان

در خارج از کشور

در تاریخ ۲۶ آوریل ۱۹۸۴ هواداران ستیزنده سازمان چریکهای فدائیی خلق ایران با برگزاری یک سلسله آکسیونهای سازمان یافته از سوی کمیته خارج از کشور سازمان با هدف همبستگی با زندانیان سیاسی نشان دادند که فدائیان خلق علاوه بر داخل کشور در هر کجای جهان باشند، لحظه‌ای از مبارزه بر علیه سرمایه‌داران و حکومت ترور و وحشت جمهوری اسلامی غافل نخواهند بود. ما به این هواداران مبارز و ستیزنده درود می‌فرستیم و ضمن تأیید حرکت فوق العاده انقلابی آنها که میتوانند در بی‌آبرویی جمهوری اسلامی در نزد افکار جهانی بسیار موثر افتد و آنچه که در زندانهای قرون وسطائی رژیم میگذرد را بر ملا سازد. ما مبارزات رفقای خود را در خارج از کشور جزئی از مبارزات توده هواداران سازمان در داخل کشور و جزئی از مبارزات خلقهای در بند ایران میدانیم.

گرچه این اخبار از رادیوی بی‌بی‌سی بی‌گونه‌ای تحریف شده و عین واقعیت را بدلیل روابطی که با رژیم جمهوری اسلامی دارد منعکس نکرد ما آنها را با استخراج از نشریه جهان به اطلاع زحمتکشان بلوچ میرسانیم. بقیه در صفحه ۶

گوشت کیلوئی چنده؟

تنفر و انزجار توده‌ها از رژیم سفاک و جلاد آنچنان شدت گرفته که توده‌ها در برخورد بهمدیگر بگونه‌های مختلف آنرا بروز میدهند یکی از این وقایع را بیان میداریم تا معلوم شود که تنفر توده‌ها به چه شدت است.

تاریخ ۳۳/۳/۷ یکی از مسافران تهران - زاهد ان که منتظر انجام تشریفات در سالن انتظار فرودگاه بود دو جوان بوی نزدیک میشوند آن دو نفر با هم گرم صحبت بودند در همین حین دو آخوند جلب توجه آنها را می‌کنند، یکی به دیگری می‌گوید: " نگاه کن قصاب آمد" دیگری پاسخ میدهد: " این جلادان را به زاهدان می‌فرستند آنجا کمبود جلاهدست آخوندها نیز متوجه برخورد تنفر آمیز توده‌ها نسبت به خود گشته‌اند از این بابت به روی خود نمی‌آورند و رد میشوند. جوانان به مسافر نگاه می‌اندازند و مسافر که حرفهای آن دو جوان را شنیده بود لبخند رضایتبخشی تحویل میدهد. دو جوان به مسافر نزدیک میشوند و از وی می‌پرسند بچه زاهدانی؟ مسافر پاسخ میدهد: آری. از مسافر می‌پرسند زاهدان گوشت کیلوئی چند است، مسافر بدون اینکه تعجب کند، زیرا

انقلاب خلقی ساندینیستی تبعیض میان زن و مرد را که زنان مدتها از آن رنج میبرده، با برقراری سیاست برابری اقتصادی، سیاسی و فرهنگی محو خواهد شد.

- (a) - اصل برابری زن و مرد از نظر حقوق سیاسی، اقتصادی، فرهنگی و اجتماعی.
 - (b) - محو تبعیض میان مرد و زن که بازتساب درامی (جامعه سرمایه‌داری) است که زن پرولتا-ریایی فراموش شده است.
 - (c) - توجه خاص به مادر و فرزند.
 - (d) - مبدول داشتن دو ماه مرخصی قبل و بعد از زایمان برای زنان مشغول بکار.
 - (e) - کلیه فرزندان نامشروع از حمایت تمامی نهادهای انقلابی برخوردار شوند.
 - (f) - ایجاد مهد کودک شیرخوارگاه.
 - (g) - وضع قوانین مترقی برای خانواده و ازدواج.
 - (h) - از بین بردن فحشا و سایر معایب اجتماعی زنان و قائل شدن مقامی والا برای زن.
 - (i) - بالا بردن سطح سیاسی، فرهنگی، مشغلی زنان از طریق شرکت دادن آنان در انقلاب.
- ۲- صداقت‌داری

انقلاب خلقی ساندینیستی، فساد اداری سنتی حکومتی را ریشه کن کرده و یک ضابطه درست‌داری برقرار خواهد کرد.

- (a) - از بین بردن فساد (فحشا، قمار، مراکز شرابخوری، فروش مواد مخدر و ...) که بیشتر قشر مرفه گارد ملی به همراه همکاران اجنبی از آن بهره‌مند میشدند.
- (b) - نظارت مستقیم بر مالیاتها (سود بردن - کلان از طریق بالا بردن مالیاتها در رژیم ضد خلقی) برای جلوگیری از سوءاستفاده‌ها.
- (c) - براندازی سیستم مالیاتی که اعضای گارد ملی برای بدست آوردن حداکثر سود وضع کرده‌اند. (اخذ مالیات بطریقی که در آن مالیات‌گیری عملی تجارتنی بحساب می‌آید).
- (d) - پایان بخشیدن به سوءاستفاده‌های نظامیان از بروجه زندانیان حقوق عمومی (عادی) و ایجاد مراکزی برای تربیت زندانیان با استفاده از این بوجه.
- (e) - از بین بردن کلیه اشکال متداول قاچاق که توسط سیاستمداران، نظامیان و سایر همکاران رژیم ضد خلقی انجام می‌گیرد.

- (d) - ریشه کن کردن بیکاری.
- (e) - تامین کمکهای بیمه‌های اجتماعی در سطح تمامی کارگران و کارکنان کشور که شامل بیماری، سوانح، ناتوانی جسمی، بازنستگی و ... میباشد.
- (f) - کمکهای داروئی مجانی به مردم، احداث - کلینیکها و بیمارستانها در کلیه نقاط کشور.
- (g) - از بین بردن گدائی از طریق وضع قوانین خاص.
- (h) - از بین بردن اختلاف محلاتی در شهرها.
- (i) - تامین مسکن مناسب برای هر خانواده، توسعه طرحهای مسکونی در شهرها، و طرحهای ساختمانی برای توده‌های روستائی.
- (j) - تعدیل نرخ مصرف آب، برق، فاضلاب برای حفظ و زیبائی شهرها، و گسترش این خدمات در سطح تمام مناطق شهری.

۵- طرح خاص کناره آتلانتیک

انقلاب خلقی ساندینیستی برنامه خاص را برای کناره‌های اقیانوس اطلس و دیگر مناطق متروکه کشور به اجرا خواهد گذاشت.

- (a) - به اجرا در آوردن برنامه‌های خاص برای کناره‌های اقیانوس اطلس (منطقه‌ای که بطور مداوم - تحت استثمار غیر عادلانه یا نکیه قرار گرفته است) و توسعه این برنامه به سایر مناطقی که دارای همین شرایط هستند، این مناطق منطقه‌ای وسیع از کشور را شامل میشوند که عبارتند از: Rio San Juan - Chontales - Sequias
- (b) - از بین بردن مراکز یا نکیه‌های متمرکز در معادن کناره‌های آتلانتیک بر مبنای به اجرا گذاری - سیاستی نوین در صنعت معدن.
- (c) - آماده کردن اراضی همین مناطق برای گسترش کشاورزی و دامداری.
- (d) - بهره‌گیری از شرایط خاص این مناطق برای توزیع و توسعه صید و ماهیگیری.
- (e) - بهره‌گیری از شرایط خاص این مناطق برای - گسترش جنگلداری.
- (f) - شکوفاندن فرهنگهای محلی کناره‌های آتلانتیک که ریشه در سنن اصیل تاریخی منطقه دارد.
- (g) - محو ضوابط تبعیض، که بومیان میس کیتوس - سوموس - زامبر و سیاهها و اقشار خلقی کناره‌های آتلانتیک قربانی این سیاست میباشند.

برنامه ...

بقیه از صفحه ۱۹

۴ - مجازات سخت برای مرتکبین جرم علیه صداقت اداری (اختلاس، قاچاق مسود با استفاده از نقص و غیره) - اشد مجازات برای مرتکبینی که هواداران جنبش انقلابی هستند.

۸- انقلاب در فرهنگ و آموزش

انقلاب خلقی ساندنیستی ضوابطی را به منظور توسعه فرهنگ ملی، آموزش توده‌ای و رفیرم دانشگاهی وضع خواهد کرد.

(a) - مهیا کردن شرایطی برای توسعه فرهنگ ملی و جلوگیری از نفوذ فرهنگ امپریالیستی .

(b) - ریشه کن کردن بی‌سوادی .

(c) - آموزش رایگان در تمام سطوح (مجانی بودن شامل ابزار تحصیل، تغذیه، هزینه رفت و آمد) .

در نظر گرفتن بورس برای دانش‌آموزان و دانشجویانی که دارای امکانات مالی کم میباشند .

(d) - تربیت آموزگاران مسئول برای توده‌های دانش‌آموز، از بین وضعیت دانش‌آموزان بدون معلم و معلمان بدون دانش‌آموز . احداث مراکز تحصیلی مورد لزوم .

(e) - ایجاد برنامه‌های آموزشی مطابق با احتیاج کشور، استفاده از متدهای آموزشی تجربی و علمی .

۴ - ریشه کن کردن نفوذ برنامه‌های آموزشی نواستعماری، پشتیبانی از مبارزات ملی و جهانی برای حق و آزادی جهت دادن به افکار و عقاید جوانان برای مبارزه علیه استثمار، ستم و داغتن آرمانهای والا .

(g) - توسعه و پشتیبانی از افکار و آثار متفکرین مترقی که طی سالیان متعددی بدست رژیم ضد خلقی به فراموشی سپرده شده است .

(h) - رهانیدن، روشنفکران از زیر ستم ارتجاعی در جهت بخدمت گرفتن آثارشان برای خلق و میهن .

۱ - رفیرم انقلابی را که شامل رفیرم زیر است در دانشگاه به اجرا درخواهد آورد :

- رهانیدن دانشگاه از زیر سلطه طبقات استثمارگر و سپردن آن بدست خلق که تنها منشا واقعی فرهنگ خلق است . برقراری آموزشی مطابق با خواسته‌های خلق . از بین بردن دانشگاه به مثابه مراکز تربیت بوروکراسی . از بین بردن تبعیض که جوانان طبقات کارگر و دهقان و دیگر اقشار زحمتکش برای ورود به دانشگاه از آن رنج می‌برند . برقراری ضوابطی که بر طبق آن بوزس، کوی دانشگاه و سالن غذاخوری به آنها تعلق گیرد .

- بالا بردن بوجه دولت برای دانشگاه برای مقابله با مشکلات مالی مواجهه .

- نمایندگی اکثریت دانشجویان در شورای دانشکده با محسوب داشتن این مطلب که دانشجویان توده اصلی در دانشگاه هستند .

- از بین بردن نفوذ استعمارنو در دانشگاه بطور اعم و مبارزه با تشکیلات شبه انسان دوستی اقماری های یانکی بطور اخص .

- تهیه امکاناتی برای تحقیق علمی آزاد، تجربی، علمی برای حل مشکلات ملی و جهانی .

- مستحکم کردن اتحاد و یگانگی بین دانشجویان، استادان دانشگاه و محققین و تمامی خلق و تربیت دانشجویان و روشنفکرانی که برای تحقق آرمانهای انقلابی از دادن جان دریغ نکنند .

۹- احترام به اعتقادات مذهبی

انقلاب خلقی ساندنیستی برای توده‌های مومن (بای ایمان) آزادی اجرای مراسم (اعتقادات، معتقدات) مذهبی را محفوظ میدارد .

(a) - احترام بحق هرکس در اجرای هرگونه اعتقاد مذهبی .

(b) - پشتیبانی از کشیش‌ها و سایر مسئولین مذهبی مدافع توده‌های کارکن .

۱۰- سیاست خارجی مستقل

انقلاب خلقی ساندنیستی سیاست خارجی سلطه امپریالطوری یانکی را ریشه کن کرده و یک سیاست خارجی میهنی به نفع استقلال و صلح جهانی پا برجا خواهد کرد .

(a) - خاتمه بخشیدن به دخالت یا نکیها در امور داخلی نیکاراگوئه سیاست احترام متقابل و همکاری ری برادرانه با خلقهای سایر کشورها .

(b) - اخراج کلیه مامورین نظامی امریکا و سازمان (جبهیت) صلح (جاسوسان یانکی که به لباس تکنسین درآمده‌اند) و کلیه عوامل نظامی سیاسی مجری مداخله یانکی در نیکاراگوئه .

(c) - قبول کلیه کمکهای فنی و اقتصادی کشورهای مختلف منوط براینکه فاقد هرگونه شروط سیاسی باشد .

۱۱- الغای معاهده Chamorro - Bryan

انقلاب خلقی ساندنیستی معاهده فوق و دیگر معاهدات را که به حاکمیت ملی کشور لطمه وارد آورد، ملغی اعلام میدارد .

چرم سازی :

پوست حیوانات اهلی از قبیل گاو، گوسفند و شتر، در کارگاههای مخصوصی با رنگهای گیاهی دباغی میشد و عدهائی به این کار مشغول بودند. در بلوچی باین افراد پوست ناس میگویند.

نجاری و آهنگری :

نجاری و آهنگری بدلیل محوری بودن کار کشا و رزی رونق بیشتری داشت، آهنگران ابزار کار از قبیل بیل، داس، خیش و میخ و تبر و تیشه و کلنگ میساختند، بعضی از ظروف توسط اینها ساخته میشد. نجاران نیز در و پنجره و کاسه‌های چوبی و چوبهای گاو آهن و غیره را میساختند. کار در این رشته نیز توسط استادان و شاگردان که عموماً فامیل بودند انجام میگرفت.

حصیر بافی و سفال سازی :

حصیر بافی و سفال سازی نیز رواج فراوان داشت. حصیر توسط زنان عشایر بافته میشد و سفال در - مناطق مخصوصی که خاک مناسب وجود داشت ساخته میشد. تولیدات پیشه‌وران برای مبادله با محصولات دهقانان تهیه میشد معامله پایاپای انجام میگرفت.

۵- تجار : در این دوران پول قجری و پول فرنگی بعلت تسلط انگلیس بر شبه قاره هند در بلوچستان رواج داشت اما پول قجری پول رسمی بود و معاملات از قبیل خرید و فروش املاک، جرا - ثم و بهره نقدی با پول قجری انجام میگرفت. تجارت نوپا بود (خرده تجار) و تعداد تاجران نیز انگشت شمار بودند. آنها اغلب کالاهائی از شبه قاره هند (کراچی و پسنی) میآوردند، این کالاها عمدتاً شامل پارچه و زیورآلات و ظروف آشپزخانه و ... میشد. این خرده تجار از طرف دیگر به زمین وابسته بودند. سودی که عایدشان میشد بجای بکار انداختن، املاک جدید میخریدند. چون محصولات دهقانان بوسیله خودشان مبادله میشد مبادله تولیدات دهقانان توسط واسطه‌ها (تجار) بندرت انجام میگرفت. در زبان بلوچی باین تجار باپاری میگویند.

۶ - بازاریارها : کارگرانی بودند که نیرو

بقیه از صفحه ۱۶

بورسی ...

روسای این قبایل سردار نامیده میشدند که بعضی از سردارها با خوانین ارتباط نزدیکی داشتند. اعضای قبایل افرادی سحرشور و بزبنا در بودند، قبایل و طوایف آزاد که بندگی خوانین را نپذیرفتند در مقابل تعرضات از خود بشدت دفاع مینمودند.

۴- پیشه‌وران : نطفه‌های پیشه‌وری در این دوران بسته شده بود و مراحل طفولیت را می‌گذراند. ابزار کار آنها بی‌نهایت ابتدائی بود. ولی با همان وسایل نیازهای منطقه را در حد پایینی برآورد میکردند. بخصوص اینکه اقتصاد بلوچستان در مداری بسته قرار داشت و تولید در سطح خانواده و قبیله و ده معنی میداد.

پیشه‌وری رونق زیادی نیافته بود و علت آنهم عدم توسعه و رشد مناسبات اجتماعی - اقتصادی بود. پیشه‌وران بصورت خانوادگی و قبیله مشغول بکار بودند. کارگاهها متعلق به پدر و فرزندان و فامیل بود، رشته‌های پیشه‌وری عبارت بود از :

پارچه بافی :

دهقانان با اندازه احتیاج خود و گاهی مازای برای مبادله پنبه تولید میکردند. زنها پنبه‌ها را پاک نموده و آنها را می‌ریسیدند، عمل پاک کردن و ریسیدن بوسیله چرخهائی دستی انجام میگرفت این چرخها بوسیله نجاران ساخته میشد. عدهائی به کار ریسیدن پنبه یعنی دوک زنی و پارچه بافی مشغول بودند. کارگاههای کوچک پارچه بافی وجود داشت که یک استاد و چند شاگرد در آن کار میکردند، شاگردان عمدتاً بستگان استاد بودند. پارچه در مقابل مزد بافته میشد. بلوچها به آنکه به کار پارچه بافی اشتغال داشتند جولاهک میگفتند. علاوه بر پنبه، پارچه‌های پشمی نیز تهیه میشد. پرورش پنبه نیز رواج داشت اما در سطحی خیلی پائین. پارچه بافی هنوز توسعه نیافته بود. کارگاهها ابتدائی، ابزار کار نیز ابتدائی بودند علاوه بر پارچه بافی گلیم بافی و قالی بافی و چادر (خیمه) بافی نیز رواج داشت چادرها از موی بز بافته میشد.

بقیه در صفحه ۲۲

مبارزه ضد امپریالیستی از مبارزه برای دموکراسی جدا نیست

وضع عمومی توده‌ها :

تولید در سطحی یا تین قرار داشت محصولات -
 ناچیز بود زحمتکشان پیوسته در فقر بسر میبردند
 بخصوص اینکه آنها مجبور بودند قسمت اعظم
 دسترنج خود را مالیات بدهند، بیشترین فشار به
 دهقانان و عشایر وارد می‌آمد. امراض و بیماری -
 یهای گوناگون مرتباً جان زحمتکشان را تهدید می
 کردند هر وقت مرضی شیوع پیدا میکرد تعداد فراوانی
 را از پای در می‌آورد سواد آموزی محدود
 میشد به روحانیون و خوانین، صد در صد زحمتکشان
 بی‌سواد بودند.

شحنه‌های مست دوست محمد خان هر وقت اراده
 میکردند به غارت و چپاول مردم میپرداختند و
 خون ریزی میکردند. مردم رسماً مالک تکه زمینی
 بودند که موقع برداشت محصول معلوم میشد مالک
 کیست

تبعیض نژادی بشدت حکمفرما بود. ارزش اجتماع
 بی افراد براساس قبیله و کاستی که در آن بود -
 ند تعیین میگردد. ازدواجها غالباً درون گروهی
 بود و وقتیکه وصلت با قبیله یا بیرون می‌نهاد
 به قبیله هم‌ردیف محدود میشد. در این دوران مباح
 رزات توده‌ای و شورشهای دهقانی قابل توجه و همه
 گیری وجود نداشت. مبارزاتی که صورت گرفته
 است مقاومت سردارها و خوانین هر قسمت علیه
 دوست محمد خان و یا علیه همدیگر بوده است ،
 شکل عمده مبارزه در این دوران مسلحانه بوده -
 است.

ادامه دارد

بقیه از صفحه ۲۱

بررسی ...

ی کارشان را در مقابل مزد به دهقانان مرفه
 میفروختند بازیارها نزد دهقانان مرفه استخدام
 میشدند و هر شش ماه مقدار معینی گندم دریافت
 میداشتند، بازیارها در طول مدتی که به استخدام
 در می‌آمدند در اختیار صاحب کار بودند حتی
 کارهای خانگی را نیز انجام میدادند، تعداد بازیار
 یاران آنقدر نبود و کارشان در تولید آنچنان
 تاثیری نداشت که بعنوان يك طبقه مطرح باشند.
 بیشتر افرادی از دهقانان فقیر بودند که نیروی
 کارشان را میفروختند.

۲- بردگان خانگی :

بردگان نه تنها مالک هیچ چیز نبودند ،
 بلکه خودشان در تملک خوانین ، روحانیون و عده -
 ثی از سردارها بودند. آنها از هیچ حقوق انسانی
 و آزادی برخوردار نبودند ، مالک اختیار تام دا -
 شت آنها مانند ملک بین وارثین تقسیم میشدند .
 این بود وضع طبقاتی و مالکیت در آن زمان
 همانطور که دیدیم سطح تکامل نیروهای مولد در
 اینزمان بسیار پائین بود و مناسبات موجود نه
 تنها جلوی رشد نیروهای مولد را سد نکرده بلکه
 نیروهای مولد نیز در آن سطح نازل تکامل بودند
 که توانائی تغییر مناسبات موجود را نداشتند -
 یعنی چنین ضرورتی هم احساس نمیشد . مسیر عمومی
 تکامل در جهت رشد و شکوفائی این نظام و تولد
 بورژوازی بود که در ایران تغییراتی رخداد و يك
 حکومت فئودالی متمرکز متناسب با منافع امپریا -

لیستها در سرتاسر ایران شکل گرفت و قشون رضاشاه
 فئودالهای بلوچستان را وادار به اطاعت از قدر
 ت مرکزی نمودند از این پس قدرت خوانین بلوچ
 در قدرت مرکزی فئودالی متمرکز گشت . گرچه پیش
 از این خوانین به قدرت مرکزی خراج میپرداختند
 و مالیات اخذ شده از زحمتکشان سهمی به دربار
 تعلق میگرفت ، اما شیوه حکومتی رضاشاه با اسلاف
 فئودالها تفاوت داشت ، مقداری از زمینهای بلوچستان
 به خالصه جات تبدیل شد . گرچه زمینهای خوانین
 برای خودشان محفوظ مانده ، اما وصول مالیات فسخ
 گردید رعیت دیگر بمعنای قبلی رعیت نبود و آنها
 صاحب تولیدات خودشان گشتند . در مناطق خیلسی
 دور و عقب مانده خوانین هنوز مالیات میگرفتند
 ولی در کل میتوانیم بگوئیم مالیات دادن فسخ
 گردید .

بازد ...

بقیه از صفحه ۱۳

پاکستان چندین میلیون روپیه زمین خریده است .
 نامبرده که از حمایت امپریالیستها و سلطنت طلبان
 برخوردار است خود را نماینده مردم بلوچ جازده -
 است .

در پی بالاگرفتن جنگ ایران و عراق عناصر
 جبهه جاسوس و خائن تحریر بعد از سالها سکوت و
 خوش گذرانی در عشرتکده‌های سران مرتجع عرب از طر
 یق پاکستان وارد بلوچستان شدند تا با گردآوری
 مخالفین حکومت طبق منافع سران مرتجع عرب وارد
 کارزار شوند . جما خان جاسوس و نوکر صفت و خان -
 زده و یعقوب این میمون دست آموز ، با خوانین
 ارتباط گرفتند و سیل دلار اسلحه را سرازیر نمودند

بقیه در صفحه ۲۳

هم اکنون مدت چند سال است که این مزدوران باصطلاح خودشان خوانین را انقلابی کرده اند و آنها را بر علیه خمینی بسیج نموده اند . در صورتیکه همین خوانین از سوئی دستی در کاسه جمهوری اسلامی دارند و از سوی دیگر مجیز گوی امپریالیستها میباشند . خوانینی که اینک با جما خان همکاری دارند علاوه بر مولاداد ، محمد خان میرانشاری میباشد که هم - اکنون مهمان سران مرتجع عرب میباشد . امان مبارکی چهره دیگری بود که مورد پشتیبانی قرار داشت اما هم اکنون در زندانهای پاکستان آب خنک می نوشد باند جنایتکار جما خان و مولاداد ، با مهمل ایدئولوژیک ناسیونالیسم وارد میدان شده است . مولاداد خائن که نوکر امپریالیستها و سرمایه داران و وابسته بوده است ، جما خان خائن که اینک بشکل یک ملای کثیف درآمد و اسم مستعار ملامحمد و ابو - خالد روی خود گذاشته است و هیچ اعتقادی به دمکر - اسی و آزادی و زحمتکشان بلوچ ندارد ، از آنجائیکه آگاهند روی بلوچها ستم ملی روا میرود با ستم گذاشتن روی ستم ملی ناسیونالیست شده و دم از حق بلوچها میزنند ! اما زحمتکشان بلوچ که با سابقه خیانت بار جما خان و مولاداد آشنا هستند بهیچ وجه حاضر نیستند از چاله دربیایند و در چاه بیفتند . تمام اقدامات این خائنین تاکنون محدود میشده است به تقسیم پولهای کلان بین خود و نخیره اسلحه ، محمد خان ماهیانه پولی معادل ۴۰۰۰۰۰ تومان و میر مولاداد معادل ۶۰۰۰۰۰ تومان و خانهای ریز دیگر به فراخور خیانت خود مقرری دریافت میدارند . تاکنون تمام اقدامات اینها روشن کردن آتش روی آب بسوده است . بجز عده انگشت شماری از بلوچهای کس آگاهانه یا نا آگاهانه و یا در پی سرمایه اندوزی به اینها روی آورده اند و چند خائن روشن فکر هیچ احدی به آنها رجوع نکرده است .

وظیفه نیروهای انقلابی در قبال این باند

جنایتکار

سرنگونی رژیم جمهوری اسلامی و برقراری جمهور - ری دمکراتیک خلق به همت کارگران ایران با شراکت زحمتکشان شهر و روستا وظیفهائی است که در برابر طبقه کارگر ایران قرار دارد . تمام فعالیت - نیروهای انقلابی در این راستا خلاصه میشود . هر

نیروئی که جلوی این روند را سد کند باید از جلو ی راه برداشته شود . ضد انقلاب مغلوب (سلطنت - طلبان و دستیاران خوانین در منطقه) بعنوان نیروی وشی که خواهان برگشت سلطنت و خواهان نظم سرمایه داری اند ، دشمن زحمتکشان ایران بحساب می آیند و این باند جنایتکار بعنوان مزدور امپریالیسم نیز دشمن نه تنها زحمتکشان بلوچ بلکه تمام خلقهای ایران میباشد . وظیفه نیروهای انقلابی و توده های زحمتکش ، مبارزه همه جانبه علیه جاسوسها میباشد . نیروهای انقلابی باید موارد زیر را انجام دهند :
۱- ماهیت واقعی و اهداف این جاسوسها را پابپای مبارزه علیه جمهوری اسلامی برای توده ها برملا سازند .
۲- مبارزه همه جانبه علیه این مزدوران امپریالیسم را به توده ها آموزش دهند .
۳- به توده ها بیاموزند که اسلحه و سایر امکانات این مزدوران را صادره و برای مبارزه علیه جمهوری اسلامی بکار گیرند .
۴- این مزدوران باید در دادگاههای خلقی و انقلابی محاکمه و به سزای اعمال کثیفشان برسند .

برنامه ...

بقیه از صفحه ۴

استثمارگرانی که سرنگون خواهند شد مجلوگیری از خلق سلاح توده ای ، بطوریکه تجربه خلق سلاح سال ۱۹۲۷ که منجر به خلق سلاح مبارزین توسط هانری - ل - استیسون یانکی ، روزه ماریا مونوکارا خائن لیبرال و آدلف سیاز محافظه کار گردید ، تکرار نگردد .

(c) - قدرت بخشیدن به ارتش نوین خلقی با افزایش

نیروهای رزمنده و بالا بردن سطح تکنیکی و تاکتیکی (d) - تقویت اعتماد به نفس افراد ارتش خلقی در اجرای وظایف مبارزاتی و ایجاد روحیه ای خلقی در میان آنان .

(e) - ژرفا بخشیدن به آرمانهای انقلابی در ارتش خلق به منظور افزایش روح وطن پرستی و عزم مبارزه برای پیروزی ، تا محور تمامی موانع و اشتباهات .

(f) - بهبود بخشیدن به انضباط موجود در ارتش خلقی و ایجاد رابطه ای تنگاتنگ و برادرانه بین سربازان و مبارزین خلق .

۱۳- همبستگی خلقی

انقلاب خلقی ساندنیستی یک همبستگی واقعی مبارزاتی را در مورد خلقهای بیپا خواسته برای آزادی - تامین خواهد کرد . بقیه در صفحه ۲۴



کمکهای مالی دریافت شده

۲۲۰۰۰ ریال	شهدای خلق
۳۶۰۰۰ ریال	شهید صد
۳۶۰۰۰ ریال	شهید خسرو
۹۰۰۰ ریال	فدائی خلق صد
۱۸۰۰۰۰ ریال	رفیق صد - ح
۱۸۰۰۰ ریال	رفیق الف - نورائی
۵۰۰۰ ریال	رفیق دانشجو
۳۰۰۰۰ ریال	شهید صد - س
۱۵۰۰۰ ریال	فیض محمد سرودی
۱۱۵۰۰ ریال	رفیق صد
۱۰۵۰۰ ریال	رفیق زین الدینی
۶۰۰۰۰ ریال	رفیق جزنی
۱۲۰۰۰ ریال	سعید سلطانیپور
۶۰۰۰ ریال	خسرو

برنامه

خلقهای امریکای مرکزی در وطن و آحادی مبارزه خود- اهد کرد .

(a) - پشتیبانی از اتحاد واقعی خلقهای برادر امریکای مرکزی و ایجاد سیستم اجتماعی جدید بدون تسلط امپریالیسم و خیانت ملی برپایه اتحاد و یگانگی خلقهای منطقه .

(b) - از بین بردن تبعیت و وابستگی خلقهای امریکای مرکزی به انحصارهای یانکی و طبقه ارتجاعی منطقه‌ای (خودی) .

۱۵- بزرگداشت شهدا

انقلاب خلقی ساندنیستی از شهدا قدردانی خواهد کرد و سخاوت و قهرمانی آنان را سرمشق قرار خواهد داد .

(a) - آموزش به کارگران ، دهقانان ، دانشجویان و دیگر اقشار خلق برای بجا آوردن احترام و قدردانی عمیق به شهدا ، به آنها تیکه برای نیکارا گوته و آزادی دیگر خلقها جان باخته‌اند .

(b) - ابزار قدردانی و بزرگداشت از شهدا ، کسانی که تا برقراری پیروزی از آرمانهای انقلابی دفاع کردند .

مرکبیا میهن آزاد

جبهه ساندنیستی برای آزادی ماسی

در نقطه‌ای از نیکارا گوته

گرامی باد خاطره فدائی خلق

رفیق شهید صدیق دیده‌ور (دکتربهرام)

صدای گوشخراش تیربار و ژ - ۳ های پاسداران در سحرگاه ۶۱/۲/۲۹ خواب مردم ایران شهر را در هم شکست و توده‌ها هراسان از خواب بیدار شده و به مبارزه‌ای که درگیر بود دقیق شدند ، تیراندازی مدت‌ها ادامه داشت ، هرگبارهای مسلسل و تیربار و انفجار نارنجکها از یکطرف نشان میداد که رژیم از تمام بلوچستان نیرو بسیج کرده است ، تک تیرها - ی ماهرانه در حلقه عظیم محاصره نشان میداد که فدائی خلق صدیق دیده‌ور بشدت در جنگی نابرابر مقاومت میکند .

رفیق صدیق بهمراهی یکی دیگر از کمونیستهای انقلابی بنام آخرداد سپاهی هوادار راه کارگر که قبلا به جنبش آزادیخواهان بلوچ پیوسته بود و شب در همان خانه بود بشهادت رسیدند .

رفیق شهید با خصلتهای فوق العاده انقلابی نمونه یک انقلابی ، نمونه یک فدائی خلق با ایمان بود ، توده‌های زحمتکش ایران شهر وی را بخوبی می- شناسند ، وی تفنگ بردوش و کوله پشتی پر از دارو آنچنان در دل زحمتکشان جاباز کرده بود که گوئی زحمتکشان وی را جزئی از وجود خودشان میدانند .

وی با ایمان کامل به مداوای بیماران زحمتکش میپرداخت و مسائل سیاسی را با دقت توضیح میداد وی یک مبلغ زبردست ، یک نظامی کار ماهر ، یک پزشک خوب و یک فدائی برجسته بود . با تداوم راه فدائیان خلق یاد همه شهدای خلق را گرامی میداریم

برنامه - - - بقیه از صفحه ۳۳

(a) - پشتیبانی فعالانه از مبارزه خلقهای امریکای لاتین ، آسیا ، آفریقا علیه امپریالیسم ، استعمار و استعمارنو .

(b) - پشتیبانی از مبارزه سیاههای امریکای شمالی برای کسب حقوق انسانی خویش .

(c) - پشتیبانی از مبارزات تمام خلقها علیه ایجاد پایگاههای نظامی یانکی در ممالک خارجی .

۱۴- اتحاد خلقهای امریکای مرکزی

انقلاب خلقی ساندنیستی برای یک اتحاد واقعی

گرامی باد خاطره شهدای بخون خفته خلق